

امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

امام آمد

این دو واژه، این جمله کوتاه، که امروز ۴ سال از مخابره آن میگذرد، خود به تمامی یک تاریخ است. روز ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، سالی که رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهان ایران واژگون شد. سالی که خلق از شقایق زار خون شهسودای خویش چون تنی واحد برخواست و نابودی طاغوت و امپریالیسم را فریاد کرد. سالی که رهبر انقلاب ایران، امام خلق شد. استقبال شور انگیز ملیونها نفر از امام خمینی که خبرنگاران خارجی آنرا بزرگترین استقبال تاریخ خوانده اند. نمایش عظیم و آرزوی وسیعترین توده های مردم برای بحاک سپردن یک عصر و تهنیت به عصر جدیدی بود که بزرگوارانه تاریخی آن شعله های آزادی زیانه میکشد. استقبال حماسه وار مردم، استقبال عظیم از نظامی بود که میبایست جایگزین نظم زنگ زده و خونین سلطنتی شود، زندانها و شکنجه گاهها را برچیند، به غارت و سلطه بی رویه و آمیخته به تحقیر امپریالیسم پایان دهد، طرازان و میرفتیها و بیگمگران داخلی را به دادگاه عدالت خلق بکشاند و راه را برای ساختن و پرداختن ایرانی مستقل و آزاد و شکوفان بگشاید.

امام خمینی بزرگوار شهیدان گلگون کفن بهشت زهرا، این آرزو و ایمان ملی و مردمی را تفسیر کرد: "فقط قدم اول پیروزی را برداشته ایم، ولی قدمهای بزرگتری در پیش داریم."

سرآغاز مرحله جدیدی از جنبش انقلابی ما فرا رسید که عبارت بود از ایجاد یک نظام تازه، نظام جمهوری اسلامی با سه هدف عمده: آن به گونه ای که امام خمینی برای جمهوری اسلامی همیشه معین کرده اند یعنی استقلال همه جانبه کشور (استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی) و آزادی برای همه مجرمان جامعه ما، و تأمین عدالت اجتماعی بسود مجرمان و انجام زدن به غارتگری غارتگران. اکنون ما با تکیه بر سه دهه سخنان رهبر انقلاب نشان میدهم که امام بقیه در صفحه ۱۴

راه
پوده

تشریح مبارزان حبیبی در خلق از کشور

جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۲۰ بهمن الاخر
۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴
سال اول، شماره ۲۷
۴۰:۱۰:۱۰۰

چه کسی به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند؟

موشک "بالدار" (با برد ۲۵۰۰ کیلومتر، قابلیت تخمین مسیر پرواز و کلاهک اتمی بقدرت ۲۰ کیلو تن)، میباید با چنین سیستمی میبایست امکان ضربه اول اتمی از حاک اروپای غربی فراهم آید. ۲- ناوهای جنگی "یتو" حامل موشکهای بزرگ "تراژیدنت"، که در حال حاضر نمونه آن پنجم "اوهایو" بخدمت گرفته شده است. قرار است تا سال ۱۹۹۰ از این نوع ناو ۱۲ فروند آماده شود که هر یک از ابتدا دارای ۴۴ موشک "تراژیدنت ۱" بقیه در صفحه ۳

سیستمهای جدید تسلیحاتی که قرار است از طرف ایالات متحده آمریکا، برای پیشردستی در وارد کردن "ضربه اول اتمی"، تا سال ۱۹۹۰ بخدمت گرفته شود، به سرار زیر است: ۱- موشکهای اتمی میان برد در اروپای غربی که شروع استقرار آنها برای پائیز ۱۹۸۳ در نظر گرفته شده است. این سیستم شامل ۱۰۸ موشک میان برد "پرشینگ ۲" (با برد ۲۵۰۰ کیلومتر، کلاهک اتمی بقدرت ۵۰ کیلو تن، سیستم هدایت دقیق و امکان تعبیه چندین کلاهک اتمی) و ۶۶

پیش "هادر" مقابل هم زحمتکار چه وقت و چگونه از حق نپذیرفتن پیشی های مخالف منافع خود برخوردار می شوند؟

در روزهای پایان چهارمین سال پس از پیروزی انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم مین ما به رهبری امام خمینی، نبرد طبقاتی در جامعه انقلابی ما عریان تر و چشمگیرتر از هر زمانی خود را ارائه می کند. دو خطر روشنی که مواضع "پیشی" آن ها را می توان در گفتار حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه ۲ بهمن به زلالی تشخیص داد، بهر سبب حفظ منافع طبقاتی خود پافشاری می کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی می گوید "۰۰۰ یک اختلافاتی است که توی درس ها، توی بحث ها، توی اظهار نظر ها، توی پیشی ها وجود دارد... وی علت این "اختلاف پیشی ها" را در آن می داند، که "افرادی هستند که بخاطر ارتباطاتی که داشته اند و شناختی که از جامعه دارند، و ارتباطاتی که با طبقات ضعیف داشته اند (ویسا از طبقات استثمار شده برخاسته اند)، پیشی های شدید مبارزه یا سرمایه داری دارند، (اما) افراد (هم) هستند که در این حد، یک مقدار تعدیل شده تر هستند..."

دلیل این "تعدیل شدت" ها در واقع و بسا منطبق گفتار بالا چیزی نیست، مگر "ارتباطاتی که (گروه دوم) با طبقات غیر ضعیف داشته است و یا خاستگاه طبقاتی این "افراد" از طبقات مستکبر و صاحب سرمایه و مال است. در مورد همین افراد، که در ارکانهای مقتنه و دولتی و قضایی جمهوری اسلامی ایران حضور دارند، رفیق کیانوری می گوید آنها یا خود سرمایه دارند و یا مالکند و یا خانواده سرمایه بقیه در صفحه ۲

رسوخ اقتصادی از طریق واسطه ها یک تاکتیک امپریالیستی:

کند. آنان بدین ترتیب توانستند فشار اقتصادی و تورم داخلی را شدت بخشند. در این رابطه سیاست غرب نگرانی لبرالها و عوامل نفوذی به اجرای این نقشه امپریالیستها کمک شایانی کرد. اگر زمانی بنی صدر و معاونان و انصار لبرالی، و ضد انقلابش مجریان این سیاست بودند، پس از شکست این مشی ضد انقلابی و ضد مردمی و بدینال منزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری محافل معینسی میکوشند بر بنیاد برخی تصورات نادرست در زمینه دوستان و دشمنان انقلاب، کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان را جایگزین "جهان دوم" یعنی ژاپن و اروپای غربی که بنی صدر اینهمه در باره مزیت بقیه در صفحه ۱۵

امپریالیسم جهانی، انبانی از توطئه علیه انقلابها رهائی بخش ضد امپریالیستی در زراد خانه خود دارد. مثلا در کشور ما، بدینال انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ و بویژه پس از تسخیر لانه جاسوسی تحریم اقتصادی ایران از سوی کشورهای امپریالیستی آغاز شد. اما این تنها یک روی سکه بود. روی دیگر این سکه، تلاش امپریالیسم برای حفظ بازارهای خود در ایران، سودبری بیشتر و حضور غیر مستقیم در اقتصاد کشور ما بود. نتیجه این سیاست این بود که امپریالیستها در عین حفظ بازار چند میلیارد دلاری خود، موجباتی فراهم کردند که ایران ناچار کالاهای آنها را به قیمت درانتز از طریق کشورها یا مؤسسات دلال تهیه

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته ای

"بیش" هادر مقابل هم

بقیه از صفحه ۱

دار و مالک دارند و یا با بند هائی با سرمایه داران و مالکین مربوط هستند .
 رئیس مجلس شورای اسلامی وجود این اختلافات را در مجلس و در شورای نگهبان مورد تأیید قرار می دهد و می گوید : " هیچ تردیدی هم نداریم که در مواردی ، اختلاف ... توی مجلس هم هست . در شورای نگهبان هم هست ؛ وی با اشاره به این که " جامعه ما ، که اجتناباً زنده دارد ، اجتناباً آزاد دارد ، به مجتهد حق عمل کردن نظر خودش را میدهند ، به مقلد حق پذیرفتن نظر مجتهدین را می دهند . " .
 به دفاع از پیش شرط تحقق " حق مجتهد " و " حق مقلد " ، که وجود " محیط آزاد " و " حق اظهار نظر " در جامعه است می پردازد و نتیجه می گیرد ، که از این طریق " آزادی سیاسی و اجتماعی " نامین می شود . از این طریق بسه جامعه اجازه داده می شود " با امنیت خاطر و آرامش خاطر مطالبش را مطرح بکند و مردم می توانند در محیط آزاد زندگی بکنند . " .
 متأسفانه اما باید تأکید کرد ، که واقعیت در میهن انقلابی ما به نحو دیگری عرض اندام می کند . به علت تزلزل و عدم قاطعیت در تعویب و اجرای قانون احزاب و عدم پافشاری برای اجرا واقعی اعلامیه ده ماده ای دادستانی جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب و گروههای غیر محارب " آزادی سیاسی و اجتماعی " برای دگراندیشان مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، هر خلاف حق قانونی آنها و تأکید مداوم مسئولین درجه اول جمهوری و دولتمردان پیرو راستین خط امام ، هر روز کمتر وجود دارد . تشریحات حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدون هرگونه سبوز قانونی توقیف شده اند و یا اجازه انتشار نمی یابند . جلوی انتشار جزوات پرشش و پاسخ رفیق کیانوری نیز از ۱۶ آذر ۱۳۶۱ گرفته شده است .
 دفاع حجت الاسلام رفسنجانی از " آزادی های سیاسی و اجتماعی " و واقعیت حاکم مخالف این اظهارات بر جامعه انقلابی ما نیز خود بیان دیگری از این نبرد طبقاتی در میهن ما است .
 به این ترتیب و با آنچه که حجت الاسلام رفسنجانی در این نماز جمعه اظهار داشت دیگر برای کم باورترین فرد هم تردیدی وجود ندارد ، که در میهن انقلابی ما " اختلاف بیش " ها و مواضع بین خط امام و خط راستگرای مخالف آن ، که بیان کننده واقعیت نبرد طبقاتی در جامعه است ، وجود دارد و مهر خود را بر سرنوشت انقلاب می زند .
 این " اختلاف بیش " ها ، که این روزها با رد قوانینی که به نفع تحولات بنیادی به سود زحمت کشان میهن ما توسط شورای نگهبان تبلور می یابد ، همان طور که در خطبه نماز جمعه ۲ بهمن تظاهر کرد ، بحث وسیعی را بین انقلابیون و خلق ایثارگر موجب شده است .
 بحث بر سر این است ، که انقلاب ضد امپریالیستی

و خلقی مردم میهن ما ، که به گفته آیت الله شهید بهشتی ماهیت " ضد سرمایه داری و ضد فئودالی " دارد ، چگونه و به دست چه کسانی به پیروزی رسیده است ؟
 آیا جانبازی ها و فداکاری ها را تنهایی از خود برروزنداده اند ، که در ارتباط با طبقات ضعیف بودند و هستند ؟ آیا خنجه های سیر کوچه ها و بازارها برای فرزندان طبقات مستضعف برپا نشده اند و بهشت زهرا ها لاله زار شهیدای طبقاتی نیستند که " بیش " های شدید مبارزه بسا سرمایه داری دارند ؟ و آیا این لاله های خون از خانواده ها و طبقاتی هستند ، که به خاطر تحولات طبقاتیشان " یک مقدار تعدیل شده تر هستند " ؟
 امام خمینی رهبر انقلاب بارها اعلام کرده اند ، که نه خوبی از دماغ سرمایه داران در جریان انقلاب ریخته شد . و نه شهیدی در جبهه های جنگ از خانواده مستکبران و سرمایه داران بر زمین خونین وطن افتاد ؛ نه محرومیتی را سرمایه داران تحمل کردند و نه باری از دوش خلق برداشته اند . درست برعکس ، عملکرد تبهکارانه " تروریست های اقتصادی " فریاد خشمگین خلق را از زبان گویای رهبر انقلاب به گوش همه رسانده است ؛
 خلق ایثارگر ، که برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و ضد فئودالی جان خود را و مال خود را فدا کرده است ، خلقی که بیش از دو سال در دفاع از میهن انقلاب در جبهه های جنگ و در پشت جبهه فداکارانه از حق حاکمیت خود دفاع می کند ، در کجا و چگونه از " مجتهدینی " پیروی کرده است ، که مخالف براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی هستند ؟
 کدام اعلامیه ، کدام نامه دستجمعی با امضاء و جای انگشت پینه بدستان و کدام قطعنامه کارگران ، دهقانان ، نمازگزاران و تظاهرکنندگان وجود دارد ، که مخالف دولتی شدن بازرگانی خارجی ، مخالف تقسیم آراضی بزرگ مالکان و مخالف ملی شدن آراضی شهری بوده باشد ؟
 کدام زحمتکشی با مصادره اموال غارتگران فراری مخالفت کرده است ، که قانون آن را شورای نگهبان رد می کند ؟
 کدام کفن پوشی با پای پیاده از اراضی نقضناط کشور به سری تهران به راه افتاده است تا از تصمیمات فوق الذکر شورای نگهبان به نفع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دفاع کند ؟ ،
 آنطور که در زمان خود از عمل حماسه آفرین دانشجویان پیروی خط امام در تسخیر جاسوس خانه آمریکا انجام شد ؟
 بحث بر سر این نیست ، که " اختلاف بیش " در جامعه طبقاتی غیر طبیعی است ؛ درست برعکس ، باید در تأیید نظر حجت الاسلام رفسنجانی گفت ، که " انسان (در جامعه طبقاتی) بدون اختلاف نمی تواند باشد . " .
 بحث بر سر این است ، که چگونه ممکن است ، که

در جامعه انقلابی ما ، که انقلاب اول را علیه رژیم دیکتاتوری سیاه مجد رضا انجام داد و انقلاب دوم را علیه حامیان امپریالیست این رژیم برپا ساخت و آمریکا را " دشمن اصلی " نامید ، جامعه ای که فریادش بر سر " تروریست های اقتصادی " به عرش رسیده است ، جامعه ای که می خواهد " انقلاب کوخ نشینان علیه کساح نشینان " را به جهان عرصه کند ، بحث بر سر این است ، که در چنین جامعه ای چگونه ممکن است ، که حامیان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی مواضع کلیدی در نهاد های قانون گذاری و اجرائی و قضائی را در اختیار خود بگیرند ؟
 بحث بر سر این است ، که چرا " مقلدین " نمی توانند از حق " نپذیرفتن " نظر مجتهدین هوادار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برخوردار باشند ؟
 بحث بر سر این است ، که " مجتهدین " مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با رسالت از کدام اهداف انقلاب به تحمیل " بیش " خود به خلق می پردازند و از زبان آیت الله خزعلی در یکی از نمازهای جمعه اخیر اعلام می کنند ، که آنها هیچ قانونی را که بر خلاف " موازین شرعی " (اسلام سرمایه داران) باشد ، مورد تأیید قرار نمی دهند ؟
 بحث بر سر این است ، که مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با کدام رسالت خواست خلق را و رهبران اسلام انقلابی را برای تحقق عدالت اجتماعی ، خواستی که بر پرچم خونین انقلاب برای همیشه حک شده است ، نفسی می کنند ؟
 و یا شانناژ ضد کمونیستی و به قول حجت الاسلام رفسنجانی " آن یکی " را که " از ضعفا حرف می زند ، از گرفتن حقوق ضحفا حرف می زند " به نام توده ای زیر فشار قرار می دهند و مجبور به سکوت می سازند ؟
 بحث بر سر این نیست ، که در جامعه طبقاتی اختلاف " بیش " غیر طبیعی است ؛ بحث بر سر آن است ، که نظر کدام " بیش " حق است ؟ نظر کدام " بیش " از منافع اکثریت مطلق خلق ، که به گفته شهید بهشتی نزدیک به تمام سی و پنج میلیون نفر از مردم میهن ما را در بر می گیرد ، دفاع می کند ؟
 بحث بر سر این است ، که چگونه مدافعان این اقلیت مطلق در مراجع تصمیم گیری و اجرائی به اکثریت تبدیل می شوند و قادرند منافع زحمتکشان و مستضعفان را پایمال سازند ؟
 و بالاخره بحث بر سر آن است ، که آیا با وجود " بیش " های مخالف و متضاد با بیش خط اسلام امام خمینی ، که پرچم انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان را برافراشته است ، در مراجع تصمیم گیری ، می توان منافع کوخ نشینان را تضمین کرد ؟ ، عدالت اجتماعی را به نفع کوخ نشینان برقرار ساخت ؟ ، اهداف انقلاب " ضد سرمایه داری و ضد فئودالی " (شهید بهشتی) را تحقق بخشید ؟ زمین به دهقانان پینه بدست داد ؟ بند به دست غارتگری " تروریست های اقتصادی " زد ؟ قانون را حاکم ساخت ؟ ایستی به نظر ما بلی ، به شرط آن که اهداف ضد امپریالیستی ضد سرمایه داری و ضد فئودالی و آزاد یخواهانه

چه کسی به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند؟

بقیه از صفحه ۱

۱- بابر ۷۴۰۰ کیلومتر، ۸ کلاک قابل پرتاب اتمی هر یک بقدرت ۱۰۰ کیلو تن) و بعد ها مجهز به موشکهای "تراپدنت ۲" خواهند بود.
 ۲- موشکهای بالیستیکی بین قاره‌ای "ام-۱۰ ایکس" که ۱۰۰ نمونه از آن برای ضربه اول اتمی در حال حاضر نیز در نظر گرفته شده است (موشکهای "ام-۱۰ ایکس" دارای برد ۱۱۰۰۰ کیلومتر و ۱۰ کلاک قابل پرتاب اتمی هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلو تن میباشد)
 ۳- موشکهای بالیستیکی "تراپدنت ۲" که سیستم آن با موشکهای "ام-۱۰ ایکس" قابل قیاس است. این سیستم در ضمن میتواند بروی کشتی های جنگی تعبیه شود و دارای ۱۱۰۰۰ کیلومتر برد و ۱۴ کلاک قابل پرتاب اتمی، هر یک بقدرت ۱۵۰ کیلو تن میباشد.
 ۴- تجهیز بمب افکنهای استراتژیک با موشکهای

"کروز" در برنامه تدوین شده پنتاگون تجهیز ۱۷۲ فروند بمب افکن استراتژیک "ب-۵۲" با موشکهای "کروز" در نظر گرفته شده که قرار است ۹۶ فروند بمب افکن "ب-۵۲" دیگر نیز با موشکهای "بالدار" و "کروز" مجهز شوند.
 ۵- بمب افکن جدید استراتژیک "ب-۱" که قرار است ۱۵ فروند آن تا سال ۱۹۸۶ آماده شود هر فروند از این نوع بمب افکنها مجهز به ۲۰ موشک بالدار خواهد بود. "ب-۱" تکامل پروژه بمب افکنهای بین قاره‌ای با برد ۹۸۰۰ کیلومتر و قابلیت حمل ۲۴ تن بار میباشد.
 ۶- بمب افکنهای استراتژیک "استلیت" که قرار است در دهه ۹۰ جایگزین ۱۵۰ فروند بمب افکن "ب-۵۲" شود. سیستمهای تدافعی زمین به‌هواي موجود، قابلیت دفع حملات چنین بمب افکنهایی را ندارند.

چه کسی صلح جهانی را تهدید میکند؟
 موضعگیری کشورهای جهان در قبال مهمترین قطعنامه های سی و هفتمین پنجم مجمع عمومی سازمان ملل متحد

کشورهای سوسیالیستی	اکثریت کشورهای غیرمتحد	ایالات متحده آمریکا	جمهوری فدرال آلمان	انگلستان	فرانسه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه
آری	آری	نه	نه	نه	نه

توضیح: خط تیره به معنی رای متخلف است

چند نقل قول افشاگر

"ما اگر مذاکرات با روسها را آغاز نمیکردیم، غیرممکن بود که همیمانان خود را مجبور به قبول استقرار موشکها در اراضی خود سازیم. چنین ضد جنگ در اروپا همچنان در حال رشد است و میتواند تحقق تصمیم ناتو در سال ۱۹۷۸ در باره استقرار موشکهای میانبرد را به خطر اندازد. تحت این شرایط لازم بود که برای همیمانانمان این تصور ایجاد شود که ما جدا خواهان پیشرفت در مذاکرات تجدید سلاحها اتمی هستیم."
 (ریچارد برت، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، اول سپتامبر ۱۹۸۲)

"این واقعیتی است، اگر چه بد شگون و وحشتناک برای جهان، که در جنگ احتمالی که فقط در اروپا بوقوع خواهد پیوست، امکان استفاده از سلاحهای اتمی وجود دارد."
 (وزیر دفاع آمریکا، کاسپار واین برگر، صاحب تلوزیونی ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲)

"ایالات متحده باید نقشای برای نابودی اتحاد شوروی تهیه کند، که امکان بازسازی آمریکا را سد نکند. واشنگتن باید هدفهای جنگی را مشخص سازد، که در آن نابودی قدرت سیاسی اتحاد شوروی و ایجاد نظم دوران پس از جنگ در جهان گنجانده شود، نظمی که بنا اصول غربی همساز باشد."
 (ک. گری، مدیر مطالعات امنیت ملی، انستیتیوی هودسون و مشار نزدیک رئیس جمهور آمریکا)



صلح کار همگان و هر فرد جداگانه است

چه کسانی از وسیله ناپاک برای رسیدن به هدف استفاده می کنند

آقای فخرالدین حجازی ، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی فقط در مواقع مدیحه سرایی می بیند ، که عنان کلام را از دست می دهد و با زبان نرم و لحن گیرای خود داد سخن می زند و ملاقات با امام خمینی را با "تشریفایی" و ابرار تواضع را با مدیحه سرایی اشتباه می کند .

آن طور که در اولین ملاقات نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امام خمینی پیش آمد و موجب هندی از امام شد ، که همگان را از مدیحه سرایی ، که خوره اخلاقی و جان و "اندیشه" و "حقیقت" است ، بر حذر داشتند . آقای فخرالدین حجازی در مواقع فحاشی خیلی بی تاب می شود و اختیار زبان و قلم را از دست می دهد و سر مست از باده اندصار قلم و رسانه های گروهی حفظ صحبت می کند ، تا آنچه که "حرف روز" است سرهم بندی کند .

متحدان آقای فخرالدین حجازی کسانی هستند که هر روز بیشتر سنگ ها را می بندند و میدان را برای یک بازی "منطق" و "اندیشه" و "حقیقت" این آقایان باز می گذارند ، آنطور که در روزنامه کیهان ۲۷ دیماه ۱۳۶۱ نیز انجام شده است .

آقای حجازی در این مقاله ۱۵۰ سطری خود با بیهم بافتن آسمان و ریسمان و خلط میخ می گوید "اتحادیه کمونیست ها" را ، که به گفته امام خمینی "کمونیست های آمریکائی" و آمریکا ساخته اند ، به اتحاد شوروی وابسته جلوه دهد ، تا در صحنه مزاج فحاشی و ناسزاگویی "اثبات" کند ، که "بزرگتر هاشان هم که شورسین های نامور تاریخ و جغرافیای جهانند از دیرباز بسه بن بست رسیده اند" .

برای رسیدن به این هدف هر وسیله ای برای آقای حجازی حجاز است . او که از جمله در همین مقاله ، "اطلاعات وسیع خود را در مقولات روح و معنی ابدیت و عرفان" و همچنین در مقولات علمی و تجربی و پوینتوسم" و "آزمایش های شیمیائی و بررسیهای فیزیکی و روانشناسی و جامعه شناسی و علم تاریخ" به رخ می کشد و "اسامی" "تالسن ملطی و دمورکیت" تا "ابن مقفع" و ابن ابی العوجاء" و بالاخره "نیچه و مازکی و انگلس و ژوزپولستر و لنین و مائو و این آقایانی که اکنون برسر کارند" را به کمک می گیرد و از "تک سلولی" که به "میمون" تبدیل شد ، خبر می دهد ، حتما این اطلاع را هم دارد که "اتحادیه کمونیست ها" ، که شاخه دست "پسیا" در "کنفدراسیون" بوده است ، نه فقط ارتباطی با حزب توده ایران ندارد ، بلکه هیچگاه جز دشمنی با کمونیسم و حزب توده ایران و اتحاد شوروی برنامه دیگری نداشته است و اگر عناصر صادقی هم به دام کنفدراسیون چینی ها از قماش سیروس نهباندی ها و دیگران افتادند ، همانقدر از کمونیسم و سوسیالیسم "جیز" فهمیدند ، که آقای حجازی فهمیده است : هیچ !

از آقای حجازی با تمام اطلاعات و وسیعشان و با عمری که از او در سیاست و نطقی گذشته

است ، نمی توان پذیرفت ، که بی خبر باشد ، که "دینی" وجود دارد - دین عهد ها و پاپ ها - که "ترباک جامعه" است ، "اسلامی" وجود دارد ، که "اسلام آمریکائی" (امام خمینی) است ، "کشورهای اسلامی" ای در کره ارض و در همسایگی ایران وجود دارند ، که در آنها اسلام برپا شده است . همانطور که یزید و شمر بنام اسلام تیشه به ریشه اسلام می زدند و آنرا بی آبرو و بدنام می ساختند ، "اتحادیه کمونیست ها" هم بهمین منظور در آمریکا سرهم بندی شده است . آری نفسی تیران از آقای حجازی قبول کرد ، که از واژه "کمونیست های آمریکائی" ، که امام خمینی به کار برده اند و درست همین "کمونیست ها" یی به "تعیینش" گذاشته شده را منظور کرده اند ، بی خبر باشد ! نمی توان قبول کرد که او نداند ، که نطفه "اتحادیه کمونیست ها" را در کنفدراسیون "سیا" بسته است . لذا باید از او با اطلاعات و علم وسیعش کمک خواست ، که چه نامی می توان بر این واقعیت گذاشت ، که آقای حجازی ، که "اینهمه کتب آسمانی و گفتار پیامبران و حکیمان و مصلحان ۰۰۰۰ (را) مطالعه و بررسی" کرده

است ، تویی را که "سیا" برای "سیا" ست بازی به سوش پرتاب کرده است می پذیرد و بسه توب بازی مشغول می شود ؟ آیا در قاموس آقای حجازی "از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف" می توان استفاده کرد ؟ حتی وسیله ای که ناپاکی آن بر همه کس روشن باشد ؟ حتی وسیله ای که دست جنایتکار امپریالیسم و "سیا" در اختیار بگذارد ؟ آیا این ماکیاو لیسم ، که او به ناحق به هواداران سوسیالیسم منتسب می کند ، نیست ؟

اما آقای حجازی بدانید ، همان طور که نمی توان با وسائل ناحق و ناپاک و ضد انقلابی به اهداف حق و پاک و انقلابی رسید ، با "کمونیست های آمریکائی" و "نمایش نظریات کج و معوج آنها هم نمی توان در توده ستیزی و شوروی - ستیزی پیروز شد ! این تجربه تاریخ دهه های اخیر میهن ما نیز هست !

اما آقای حجازی مطمئن باشید ، که روزی که بند ها را از سنگ ها بزدارند - و این روز خواهد آمد - خواهید دید ، که همه این تهمت ها و افترا ها ، دشنام ها و بی حرمتی ها ، مدیحه - سرایی ها ، و لفاظی ها را براب نوشته بودید !!

"فایده دو گوش"

— معلم : حسین از کلاس بیرون !
— علی : آقا معلم حسین چه کار کرده که بیرونش می کنید ؟
— معلم : به توجه ربطی داره ؟ می خواهی چه کنی ؟
— علی : می خواهم من هم همان کار را بکنم !
و یا این لطفه به مراتب زیباترتر : "شاگرد زرنگ" معلم سر کلاس دستور زبان فارسی به شاگردی گفت تا جمله " من اگر از درخت سیب بکنم ، من آنرا می خورم " را صرف کند . شاگرد پس از مدتی فکر کردن گفت : " من اگر از درخت سیب بکنم ، من آنرا میخورم " ، " تو اگر از درخت سیب بکنی ، من آنرا میخورم " ، " او اگر از درخت سیب بکند ، من آنرا می خورم "

آیا این "شاگرد زرنگ" انگل صفتی "کاخ نشینان" را توجیه نمی کند ؟ آیا اینها بازتابی از آن "وضع فوق العاده دردناکی" نیست که به قول رفیق کیانوری "بر نظام آموزش و پرورش ایران حکمفرمایی می کند ؟ چرا باید صفحات روزنامه را به این گونه تبلیغات اختصاص داد ، که اگر صادقانه هم بیان شوند ، نتیجه ای جز صدمه زدن به اهداف انقلاب در بر ندارند ؟ امام خمینی در بیانات روز ۱۳ دیماه ۱۱ به اهمیت تبلیغات یک بار دیگر اشاره کردند .

وقت آن است که خانه تکانی بکنیم ! سالگرد انقلاب نزدیک است .

روزنامه اطلاعات صفحه ای را به کودکان و نوجوانان اختصاص داده است . توجه به کودکان و نوجوانان را باید عمل مثبتی ارزیابی کرد . به کمک این وسیله مهم تبلیغاتی ، یکی از کثیر - الانتشارترین روزنامه های مجاز کشور ، می توان و باید به راهنمایی و هدایت کودکان و نوجوانان ، که بخش عظیمی از مردم میهنمان را تشکیل می دهند ، در جهت اهداف مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب همت گماشت . آنها را برای بالابردن اطلاعات عمومی خود تشویق کرد و این اطلاعات را در اختیار آنها قرار داد و کوشید تا علاقه آنها را به آموختن و کار خلاق جلب کرد .

این صفحه روزنامه اطلاعات معمولا شامل بخشهای علمی ، داستانهای کودکان ، جدول و سرگرمی و بخش "خنده های بلند" است . در این قسمت معمولا لطیفه های برای کودکان و نوجوانان نقل می شود که می توان گفت عمدتا اشباع روحیه علم ستیزی ، درس ستیزی ، فرنگرایی و ضد تعاونی را در بین آنان باعث می شود . این لطیفه ها معمولا در مورد مسایل "معلم - شاگرد" است . به نمونه هایی از این لطیفه ها توجه کنید :

" فایده دو گوش"
— معلم : جمشید بگو ببینم چرا خدا به ما دو گوش داده است ؟
— جمشید : برای اینکه درسهای شما را از یک گوش بشنوم و از گوش دیگر در کنیم !
و یا : " علت اخراج"

نظری به مسئله لبنان

و اسرائیل میتواند لبنان را وادار به اهدای یک موافقت نامه صلح جداگانه بکنند ولی با چنین بند- و بست هایی بحران لبنان حل نخواهد شد .

و اما مسئله فلسطین ، تا اینجا از جانب آمریکا و اسرائیل به سکوت برگزار میشود . البته نباید این- طور فهمید که در زمینه هیچ کاری صورت نمی گیرد . مذاکرات میان مصر و اسرائیل با وساطت آمریکا در باره باصطلاح " خود مختاری اداری " فلسطینی ها ، بحال خود- رها شده است و دارند بدنبال راه حل تازه ای میگردند . آمریکا آنها میکوشند حسین شاه اردن را نیز به مذاکرات جداگانه بکشانند و حتی دست به تهدید او زدند تا که تا فروردین ماه باید تکلیف خود را روشن کند . منظور ، مذاکره در باره نقشه ریگان است که حل مسئله فلسطین را از طریق نوبی اتحاد میان نوار غزه ، ساحل افرسی رود اردن و اردن پیش بینی میکند .

البته نقشه ریگان با آنچه که سازمان آزادی بخش فلسطین پیرامون بز قراری مناسبات کشف راسیونی با اردن پیرا تشکیل دولت مستقل

اسرائیل یا وساطت آمریکا آنها درست همین- است . آمریکا و اسرائیل به این مذاکرات بعنوان مقدمه ای برای حل مسئله اصلی - یعنی فلسطین نگاه می کنند .

تا اینجا فقط در باره موضوع مذاکرات توافق شده است . پیشرفت قابل ملاحظه هنوز وجود ندارد زیرا برای لبنان پذیرفتن شرایط اسرائیل ، یعنی تسلیم بلاقید و شرط در حالیکه قسمتی از سرزمینش اشغال شده است دشوار میباشد .

باید گفت که موضوع مذاکرات هم به دولت لبنان تحمیل شده است . در آنها ماده ای پیرامون مناسبات آینده لبنان و اسرائیل وجود دارد که در واقع همان خواست اسرائیل یعنی " عادی کردن روابط اسرائیل و لبنان " است که از آن تحمیل

انطور که از روداد ها بر می آید ، کار همدار خاور نزدیک ، بدان نحو که دلخواه آمریکا و متحد اسرائیلی اوست پیش نمیرود . باین جهت هر دوی آنها با توسل به جمیع وسائل ، از دیپلماسی آرام گرفته تا وعده و وعید و فشار خشونت آمیز و تهدید به استفاده از قوه قهریه ، تلاش می کنند راه برون رفتی از این بست بیابند .

هنگامیکه در تابستان امسال ارتش اسرائیل با کمک آمریکا به خاک لبنان هجوم آورد ، طراحان این تجاوز میخواستند با یک ضربه نظامی راه را برای حل مسئله فلسطین موافق نمونه کمپ دیوید هموار کنند . و نه فقط این ، بلکه در نظر داشتند در سراسر خاور نزدیک " صلح " مطابق نقشه هسای آمریکا و اسرائیل " را از طریق نابود کردن سازما

بیروت در محاصره ارتش متجاوز اسرائیل سپتامبر ۱۹۸۲



فلسطینی پیشنهاد می کند تفاوت دارد . نقشه ریگان مهمترین مطلب را که تشکیل دولت مستقل فلسطینی باشد در خود ندارد . و درست همین ، یعنی حق خلق فلسطین بد داشتن میهن خود و بازگشت به آن نقطه گرهی مشکل خاور نزدیک است اما باصطلاح " جنگ زرگری " میان آمریکا و اسرائیل هم وجود دارد . دولت بگین هرگونه حقوقی را برای فلسطینی ها بجز " خودگردانی " فلسطینی های ساحل غربی رود اردن و نوار غزه رد می کند تا اشغال این سرزمین ها را ابدی سازد . ریگان هم میکوشد این درگیریهایی صلحی با دوستان اسرائیلی خود را بر طرف کند .

آمریکا و اسرائیلی ها تصور می کنند که تحقیق این نقشه ها عملی است . اما کارها انطور که دلخواه آنهاست پیش نمیرود . خلق عرب فلسطین که سر به ۴/۵ میلیون تن میزند و در تبعید و مناطق اشغالی بسر میبرد به مرحله درخشانی از شعور ملی رسیده است که بسختی میتوان او را در چار- چوب کمپ دیوید گنجاند .

خلق فلسطین برای امر عادلانه ای بیکار می کند و در این راه از مستحترترین پشتیبانی بین المللی و در جای اول از همسنگی کشورهای سوسیالیستی برخوردار است .

صلح جداگانه به لبنان را می فهمند . مسئله اصلی یعنی خروج سربازان خارجی در جای دوم قرار گرفته است . درست است که موضوع مذاکرات دو طرفه را متعهد نمی کند و هر یک از آنها بیادیندی که مسائل دیگری هم مورد مذاکرات قرار گیرد . اما اینهم درست چیزی است که اسرائیل میخواهد . گفتگو در باره همه چیز بجز خروج سربازان اشغالی اسرائیل از لبنان . و اگر نمی توان این مسئله حیاتی برای لبنان را بگلی بدست فراموشی سپرد لاقبل آنرا در سبیلی از مذاکرات فوطه ور ساخت . اینرا هم باید افزود که اسرائیل از غارت " سربازان خارجی " بیشتر سوریها و فلسطینی ها را می فهمد نه سربازان خودی را ! سیاستمداران و ژنرالهای اسرائیلی بر این عقیده اند که لبنان باید هزینه تجاوزشان به لبنان را بصورت قبول " منطقه امنیت " در لبنان برای اسرائیل بپردازد . موافق نقشه هایی که دارند منطقه " زیر " سلطه " سعد حداد خائن به خلق لبنان و نوکر اسرائیل باید همین " منطقه امنیت " باشد . همه چیز حاکی از آنست که اسرائیل میخواهد وضع نوکرش را در جنوب لبنان مستحکم کند که این خود نوعی انضمام جنوب لبنان به خاک اسرائیل است .

تحقیق این نقشه ها کار آسانی نیست . آمریکا

آزادی بخش فلسطین ، که مانع در راه تحقق این نقشه هاست ، هموار کنند ، اما نتوانستند سازمان آزادی بخش فلسطین نابود نشد و بعنوان یک عامل درجه اول که بدون در نظر گرفتن آن حل مسئله خاور نزدیک و از آن سهم کمرحل مسئله فلسطین ممکن نیست باقی ماند .

حادثه جوشی دستگاه جنگی اسرائیل در لبنان بقصد زدن دو نشان با یک تیر طرح ریزی شده بود : نابود کردن سازمان آزادی بخش فلسطین و بر قرار کردن حکومتی در لبنان که گوش بفرمان اسرائیل و ایالات متحده آمریکا باشد ، اما اینرا هم نتوانستند پیاده کنند . کسانیکه امروز بر لبنان حکومت می کنند در مجموع خواهان یک لیبان اسرائیلی - آمریکائی نیستند بلکه میکوشند وحدت و تمامیت ارضی کشور خود را تأمین کنند و آنرا بصورت کشوری مستقل در خاور نزدیک در آورند . اکنون لبنان زیر فشار و شانتاژ از جانب آمریکا و اسرائیل قرار گرفته است تا یک صلح جداگانه را باین کشور تحمیل کنند و آنرا بصورت یکی از اقطار آمریکا - اسرائیل در منطقه در آورند . آنچه را که تجاوز جنایتکارانه اسرائیل نتوانست تحقق بخشد میخواهند " با وسایل دیپلماتیک " پیاده کنند . هدف از باصطلاح مذاکرات لبنان -

در این میدان اگر پیروز گشتی گویمت گردی وگر بشکستی آنجا زودتر از مرگ خود مردی

جوانان صدیق ولی بازی خورده را در خدمت به اهداف امپریالیسم قرار داد ، ولی ما هشدار حزم را برای آن دسته از این جوانان بازی خورده که هنوز صادقانه در رویای آرمانهای اولیه مجاهدین به دنبال این رهبری خائن هستند ، تکرار می کنیم : "امروز را از دست ندهید !"

رهبری مجاهدین حتی منتظر رسیدن "فردا" نشد و از موضع ماورا" چپ به دامن راست ترین جناحهای ضد انقلابی در غلطید . این باید درس عبرتی باشد . عاقبت شمشیر کشیدن به روی مردم ، کشتن پاسدار و بسیجی ، کارگر و زحمتکش جنوب شهری و عناصر خط امامی به گناه پشتیبانان از انقلابشان در مقابل امپریالیسم امریکا ، در آمیختن با دشمن مردم است . رهبری مجاهدین اگر امروز خلق را با خود ندارد ، به جای دشمنان خلق یعنی امریکا ، سددام ، ساواکیها و سلطنت طلبان را با خود دارد .

- (۱) - نامه مردم شماره ۴۶۸ ، ص ۴
- (۲) - "مجاهد" شماره ۱۱۱ ، ص ۱۷
- (۳) - مجاهدین در انگلستان درخواست نامه هایی بخش می کنند که در آن از مردم خواسته می شود که از نخست وزیر (خانم تاچر) و وزیر امور خارجه این کشور بخواهند تا ضمن تحکوم کردن جمهوری اسلامی ایران ، از مجاهدین خلق ایران پشتیبانی به عمل آورد .
- (۴) - روزنامه "دیلی اکسپرس" ۵ آوریل ۸۲
- (۵) - "ایران نیوز" ارگان فراریان سلطنت طلب ، ۲۲ فروردین ۶۲ ، ص ۷

اینک در گوشه اعلامیه های شان به چاپ می رسد . کسانی که با نشریات ضد انقلابیون فسراری آشنا هستند و احياناً سفری نیز به لندن و گوشه "هاید پارک" کرده باشند می دانند که "پرچم سه رنگ" آرم آن ارتشبان و ساواکیهای فراری است که وطنشان را به جید آنهایشان ریختند و در رفتند و اینک هر یک کشته آنها در گوشه "هاید پارک" هوا می کنند و به بسادگی "علیه حضرت" شان روزه های عصبی می کشند . پدیدار شدن ناگهانی "پرچم سه رنگ" در اعلامیه های مجاهدین خبر از چه اتحاد نا مقدسی با اوسى ها و نیچه پلوی ها می دهد ؟ اگر ملاقات رضانی پهلوی در ماه آوریل ۸۲ با ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور فراریان و آقای رجوی در پاریس را بنیاد بیابیم راه دوری در گمان خود نرفته ایم . واقعیت این است که مجاهدین کلماتی همچون "جامعه بی طبقه توحیدی" ، "امپریالیسم" ، "بنام خدا و خلق" و غیره را از نشریاتشان قلم زدند . آنها در هنگامی و ابیاشی گری همانچنان با نشریات ساواکیها و سلطنت طلبان همصدا شده اند که حتی تشخیص این که این جریان روزی صحبت های با ارزشی هم کرد باست دشوار می نماید . گمان ما بسیار طبیعی است : پرچم سه رنگ مجاهدین چراغ سبزی است برای نیم پهلوی ها که از بدنها قبل آماده "خوش آمدگویی" به آقای رجوی بودند . رضانی پهلوی چندی پیش در مطاوحه با مدیر روزنامه "ایران نیوز" ارگمان فراریان سلطنت طلب ، در پاسخ به این که آیا ایشان حاضرند یا مجاهدین دیدن کنند ، گفت : "چه اشکالی دارد ، اگر آقای رجوی بیایند بنده به او هم خوش آمد خواهم گفت . امروز مجاهدین در پهنه سرزمین و وطنمان ستیز می کنند . آنها از نظر عقیدتی ممکن است یا ما اختلاف هم داشته باشند ، ولی بهر حال آنها دارند مبارزه می کنند و هر کس در این شرایط با رژیم مبارزه کند قابل احترام است ."

تجربه دو سال گذشته نشان داده است که رهبری مجاهدین در جاده خیانت بطور دردناکی تاخته است و بعید هم نیست در آینده نزدیکی شاهد چاپ عکس رضانی پهلوی در گوشه دیگر اعلامیه های شان باشیم ! رهبری مجاهدین از روزی که به همسراه خلیان شخصی محمد رضا پهلوی به پاریس گریخت و دفتر دستک خود را در کنار سایر ضد انقلابیون رنگارنگ دایر کرد ، خود را در منجلاب خفیه کننده ای فروبرد که انتظار این گونه دست و پا زدن های خیانت آمیز را نیسز بایستی می داشت . اگر چه رهبری مجاهدین علی رغم هشدار حزب ما "امروز را از دست داد" و با به راه انداختن موج تروریسم بخش قابل توجهی از

پس از ملاقات رجوی با طارق عزیز سقوط رهبری سازمان "مجاهدین" آن چنان سرعتی به خود گرفته است ، که مقالات آماده شده قبل از چاپ کهنه می شوند . اما از آنجا که مقاله حاضر حاوی نکات اطلاعاتی جالبی است ، به چاپ آن اقدام می شود . باشد تا هواداران صادق این خائنین اثر سهمگین خطر را بشنوند .

بعد از اینکه رهبری مجاهدین در آستانه خیانت خود عثمان را از دست داد و در مقابل انتقادات منطقی و سؤالات مشخص حزب توده ایران به یاوسرانی برداشت ، حزب ما بنابر احساس مسئولیت انقلابی خود تا آخرین مرحله به تلاش خود در جهت نمایاندن واقعیات به سازمان مجاهدین ادامه داد . بیشک تاریخ تلاش حزب ما را برای نگهداری آن نیروهایی که می توانستند در جنبه خلق و علیه دشمن خلق قرار گیرند به نیکی در خود محفوظ خواهد داشت . در یکی از این سلسله مقالات که تحت عنوان "مجاهدین در لبه بزرگه که در نامه مردم" منتشر شد ، حزب ما هشدار داد : "وقت تنگ است ، تاریخ منتظر نمی ماند . مجاهدین اگر امروز را از دست بدهند ، فردا را پیش از آنکه فردا برسد ، باخته اند . مجاهدین که آنهمه از "جامعه بی طبقه توحیدی" دم می زدند ، متحدین خود را از میان دشمنان قسم خورده "جامعه بی طبقه" یعنی بریایه دازان لیبرال و یا به قول خود مجاهدین "شتمه همروزی ملی روزه باستانی" برگزیدند . نمائندگانی شدند که فراریان خود را از میان صادقترین پشتیبانان انقلاب و محرومان جامعه بر میگزینند ، در حالیکه حمایت دشمنان خلقها را طلب می کنند ."

آنهائی که زمانی در مقابل انتقادات ما از هم سهی حرکاتشان با ضد انقلابیون فراری ، امثال ابیسی ها و بختیارها ، کف بر لبها را به "شمت زنی" متهم می کردند ، اکنون دیگر نه تنها در صحنه عمل در حرکات تروریستی و کشتار عناصر بارز خط امامی در جنبه ضد انقلاب مشترکا عمل می کنند ، بلکه تبلیغاتشان را نیز با ابیسی ها و بختیارها منطبق ساخته و حتی در ابیاشی گری گوی سبقت را از آنها برده اند . همه این شواهد شاید برای بعضی از هوا داران صادق این جریان و حق این فاجعه را نشان ندهد . لذا باید هنوز نمونه های دیگری هم به این لیست اضافه شود . رهبری مجاهدین در این زمینه کمک میکند : اکنون مدتی است که دیگر نه تنها در اعلامیه های هواداران مجاهدین خلق در انگلستان از آن شعار "بنام خدا و خلق قهرمان ایران" ، که تا این اواخر میزبانه مورد استفاده مجاهدین بوده ، خبری نیست ، بلکه چندی است که جاسی خود را به "پرچم سه رنگ" داده است که

تصحیح وپوزش

در مقاله "در حاشیه انتشار مجاهد" در خارج از کشور شماره ۲۶ ، ستون اول ، سطر ۹ نظری اضافی است ، که بدینوسیله تصحیح می شود .

"بیش" هادر مقابل هم

بقیه از صفحه ۲
انقلاب منخ نشود . به شرط آن که این اهداف ستاره های راهنمای تصمیم گیری ها باقی بمانند و هر کسی که به مخدوش کردن این اهداف پرداخت از مسئولیت های تصمیم گیری و اجرایی کنار گذاشته شود .
باید در این زمینه واقعا به "مقلدین" حق نهد برفتن "آن" "بیش" هائی را ، که بسا منافع خلق در تضاد هستند ، داد و از آن ها نظر خواهی کرد !

کشورهای امپریالیستی با استقلال نامیبیا مخالفند!



سام نوجوما رهبر سوآپو

شد مانند بهم مربوط کرده و بعد تازمای به مشکل نامیبیا داد ماند. آنهم بصورت نوعی انعام حجت: یا باید سرایان کویانی از آنگولا خارج شوند و یا اینکه ما مسئله نامیبیا را بدخواه خود حل خواهیم کرد. هدف دستگاههای تبلیغاتی غرب تسلین کردن این دروغ است که گویا سرچشمه و خیانت وضع در این منطقه حضور سرایان کویانی در آنگولا است و گرنه آمریکا و متحدانش منادی صلح اند و میخواهند مسئله نامیبیا هر چه زودتر حل شود! البته سر و صدای وسایل تبلیغاتی غرب تصادفی نیست. آنها برای "سیاست جدید آمریکا در قاره آفریقا" میگویند. میگویند که در واقع چیز نوعی نیست اما این دوزخ کلکها نمیتواند موجب فریب خلق - هائی شود که برای آزادی و استقلال خود پیکار میکنند.

چندی پیش سام نوجوما رئیس سوآپو تأکید کرد: "ابداعات مقامات رسمی واشینگتن مبنی بر اینکه گویا حضور سرایان کویانی در آنگولا امنیت جنوب غربی آفریقا را تهدید میکند کاملاً مزورانه و مضحک است." او افزود: "منبع اصلی و خاستگاه در آنجا سیاست تجار و زارانه نژاد پرستان آفریقای جنوبی علیه آنگولا و دیگر کشورهای مستقل جنوب آفریقا با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا است."

عصر اصلی سیاست کشورهای امپریالیستی برای مسئله نامیبیا با اصطلاح "تنظیم داخلی" از طریق استفاده از گروه های مزدور دست نشانده برای وارد کردن آنها در حکومت آینده است. بساط خیمه شب بازی "شورای وزیران" به رهبری دیرک پاچ زمین دار سفید پوست و برخی روسای مزدور قبایل را مطبوعات غربی پمپا به نمایندگان خلق میخواستند جا بزنند. اما طی زمان، بر اثر موافقت های سیاسی نظامی سوآپو معلوم شد که این عروسکها قادر به تأمین هیچگونه پشتیبانی از جانب خلق نیستند. حتی پیتر بوتو رئیس جمهور آفریقای جنوبی که سر نخ این عروسکها را در دست داشت مجبور شد اعلام کند که از آنها کاری ساخته نیست و باید در صدد یافتن متحدانی با شانسی بیشتر بود. او "شورای وزیران" را برکنار کرد و حکومت را مستقیماً بدست فرماندار کل

قطنامه شماره ۴۳۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد راه حل معقولی برای پایان دادن به جنگ استعماری در این سرزمین را تعیین کرده است: اعلام آتشبس، آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و انجام انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل متحد و بالاخره اعلام استقلال نامیبیا.

دولتهای امپریالیستی غرب، بمنظور حفظ سیادت خود بر این کشور میکوشند توسط گروه با اصطلاح تماس (که اعضای آن ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان غربی، فرانسه و انگلستان هستند) که گویا بخاطر وساطت میان دو طرف تشکیل شده به هر نحوه میتوانند حل مسئله را به تعویق اندازند. برای دستیافتن به این مقصود انواع حقه بازیهای سیاسی و ایدئولوژیکی را که در چینه دارند بخدمت گرفته اند. نمیخواهند بگذارند حکومت بدست سازمان خلقی جنوب غربی آفریقا (سوآپو)، تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا بیفتند. بدین سخن نیروهای امپریالیستی خواهان آنچه "استقلال" برای نامیبیا هستند که بآنها اجازه دهد همچنان منابع غنی زیرزمینی کشور را غارت کنند و آنرا بصورت تخته پریشی برای تحقق اهداف برتری جویانه نظامی و سیاسی خود بکار گیرند. و این چیزی نیست بجز ایجاد وابستگی نواستعماری. مشکل میتوان تصور کرد که ایالات متحده آمریکا و انحصارات این کشور به آسانی از آقایی خود بر سرزمینی نصرت بردارند که از آنجا ۹۸ درصد صادرات کبالت، ۸۰ درصد طلا، سفید، صد درصد الماس صحتی، ۵۸ درصد اهراتیوم، ۳۰ درصد و انادیوم و بسیاری دیگر مواد بخام استراتژیک را دریافت میکنند که بدون آنها عمل کرد دستگاه نیرومند نظامی صنعتی ممکن نیست.

چندی است که در صفحات روزنامه های غربی بالحنی خوشبینانه از پیشرفت مذاکرات پیرامون نامیبیا صحبت میشود. در واقع خود ریکان نیز رسماً اعلام کرده بود که شال ۱۹۸۲ سال آزادی نامیبیا خواهد بود. اما اکنون دولتهای امپریالیستی مسئله نامیبیا را با موضوع حضور نیروهای کویانی در آنگولا، که توسط دولت قانونی این کشور دعوت

اعزای خود سپرد. ویلی وان نیکرک دوست نزدیک نخست وزیر آفریقای جنوبی و فرماندار کل جدید نامیبیا و عنصر فعال سازمان فاشیستی "برد ریوند" قرار است در ماه فوریه زمام امور را در دست گیرد و نامیبیا را برای انجام "انتخابات عمومی" بدون شرکت سوآپو آماده سازد. طبق برنامه پرتوریا (و البته واشینگتن) سپس باید دولت جدیدی تشکیل شود که اختیارات بسیار زیادتری نسبت بدولت کنونی داشته باشد. ولی ارتش اشغالی جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی در نامیبیا زیر کنترل این دولت جدید قرار نخواهد گرفت. روداد های هفته های گذشته بخوبی نشان میدهد که کما کما این جمهوری آفریقای جنوبی در همکاری نزدیک با ایالات متحده آمریکا زمینه را برای اعلام بکجانه "استقلال نامیبیا" و انجام انتخابات در چار چوب "تنظیم داخلی" و بدون شرکت سوآپو آماده میکنند. بقیه دولتهای عضو ناتو هم با اعلام همکاری سازنده "با شش جمهوری نژاد پرست و دولت آمریکا میکوشند مانع از استقلال نامیبیا شوند و حل نواستعماری مسئله را به خلق این کشور تحمیل کنند. بدین ترتیب بخوبی روشن است که کسب نام کشورهای و به چه علت با آزاد شدن خلق نامیبیا از یوغ استعمار مخالفند.

توسط "توده های ما" افشا می شود. در خاتمه نویسنده مقاله به فریب خوردگان صاف "مجاهد" هشدار می دهد، که مواظب باشند "برادر" شدن با فاشیستها و سلطنت طلبان طاقتی جز تلخی و سرافکنندگی ندارد. سرافکنندگی ای که با ملاقات اخیر رجسوی با طارق عزیز به قله جدیدی دست یافته است.

**کمک مالی به
حزب سوده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

طلبان (۱۲ سپتامبر ۸۲) داشت. در این مصاحبه آقای "مارشال" به شرح "فکیت نظامی خود و زبردستانش در کوههای ترکیه" ("دوست و همسایه مسلمان") در مجاورت مرزهای ایران پرداخته و عملاً "یکبار دیگر عیار" روابط مودت آمیز دوستانه "کشور ناتوزده" و کودتازده ترکیه را با ایران انقلابی نشان می دهد.

در ادامه مقاله چنین می خوانیم: گوینده سلطنت طلبان در گفتاری دیگر و در همدانشی با "مارشال" پیرو فریاد "بی پروا به حزب توده ایران فحاشی کرده و به دلسوزی درباره "مجاهدین" که آنها را "برادران عزیز مجاهد ما" می نامد می پردازد و مدعی می شود که گویا خانه های تیمی آنها و "سلطنت طلبان (عزیز)

نامه خوانندگان

یکی از دوستان راه توده در مقاله مفصلی تحت عنوان: "مالخویلیای ژنرال فاشیست و کرداب برادر مجاهد به شرح "دسته گلوسی" پرداخته است، که سخنگوی رادیوی سلطنت - طلبان به آب داده است.

جریان شرح داده شده در این مقاله از این قرار است که آقای فاشیست وطنی، که روزی با نام منوچهری جاسوس آلمان هیتلری بود و بعد با نام آریانا در خدمت سیا درآمد و این روزها با عنوان "مارشال" تدارک براندازی انقلاب ما را می چیند، یک مصاحبه با رادیو سلطنت -

برای کار کودکان کارگر - این سرمایه‌های راستین کشور - فکری باید کرد

کارگران خردسال را از کارگاه‌ها به کلاسهای درس ببریم!

شود و قانون ضمانت اجرائی داشته باشد، تا کارفرمایان در صورت تخلف شدید مجازات شوند.

توصیه‌های "سازمان بین‌المللی کار"

- ۱- برنامه توسعه و تکمیل اقدامات بیمه‌های اجتماعی در مورد وضعیت خانواده و حتی اطفال حرفه‌ای.
- ۲- برنامه توسعه موسسات حمایت از کودکان.
- ۳- تعیین حداقل سن به یک میزان در تمام رشته‌های کار.

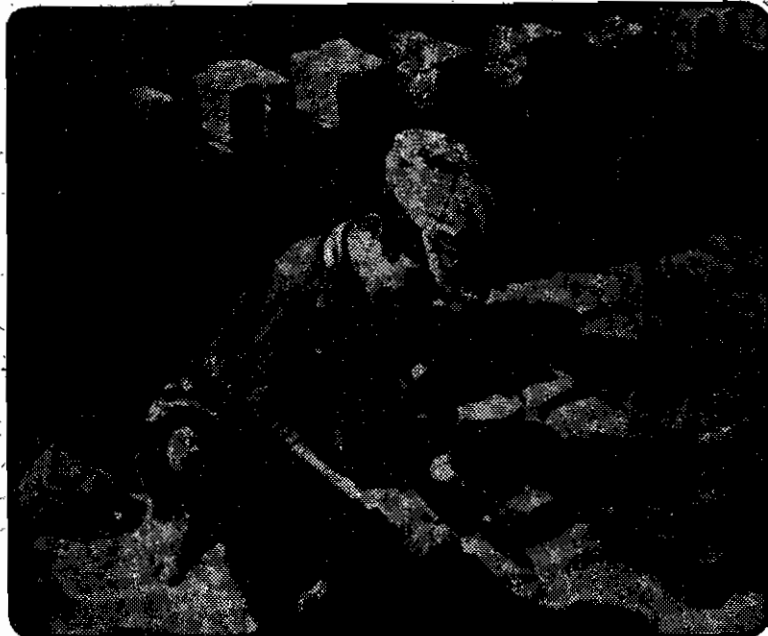
۴ برادر، ۲ خواهر و مادر خود را اداره کند.
● برهان سلطانی ۱۱ ساله، معارج یک خانوادگی ۹ نفری را با روزی ۲۰۰ ریال دستمزد تأمین می‌کند. ● نادر رحیمی، ۱۴ ساله ● میزبان علی، ۱۰ ساله و ...

برای سرمایه‌داران سودجو و استثمارگر، استفاده از کار کودکان خردسال از چند جهت با صرفه است: ۱- آنها را با دستمزد کمتری می‌توانند به کار بگیرند. ۲- زودتر آغوا و مرعوب می‌شوند. ۳- از حقوق کارگری و بیمه‌های اجتماعی و حوادث و غیره چیزی نمی‌دانند و ... جالب اینجاست که این سرمایه‌داران با این عمل خود، مدعی "انجام وظایف انسانی" نیز هستند. مدیر کارگاه نامبرده می‌گوید: "در اینجا کسانی هستند که پدرانشان را در جیب‌های جنگ از دست داد‌اند و ما با پذیرش

کودک از نخستین دقایق هستی دارای قوه است که جامعه موظف به رعایت آنست و بایست آنچنان جو مساعدی در جامعه موجود باشد، که کودک بتواند از نظر جسمی و روانی بنحوی متعادل رشد کند. سپهین جهت در جوامع فارغ از ستم طبقاتی، بهداشت و تغذیه و شرایط کار و زندگی مادر، از نخستین ماههای بارداری زیر نظر دولت قرار میگیرد.

در ایران که نظام فئودالی و خاشاک‌ساز سرمایه‌داری وابسته، از نصاره جان زحمتکشان تغذیه کرده و متذکر هیچ نهاد دولتی و اجتماعی خود را موظف به پاسداری از زندگی کودکان نمی‌داند، در جامعه کنونی ما هنوز زندگی اکثریت کودکان، به تبعیت از زندگی میلیونها نفر خانواده مجرم و مستضعف، سراسر سیاهی و اندوه شوریذگی و بی‌نوازی است. هزاران هزار کودک در سراسر روستاهای ایران از سن ۵ - ۶ سالگی، در کنار پدران و مادران محروم و زحمتکش خود، به کار چوبانی، تلف‌چینی، جمع‌آوری هیزم، مراتبت از دام و طیور، آبیاری و غیره اشتغال دارند. کارگاههای قالی بافی، که به سرانگشتان ظریف کودکان نیازمند کورستان سلامتی و رشد و شادابی کودکانند. صاحبان این کارگاهها، کودکان را، گاه حتی قبل از تولد، پیش خرید می‌کنند، تا از سن ۴ - ۵ سالگی از نیروی کار آنها بهره‌گیرند. در کارخانه‌های ریستدگی، در کوره‌پزخانه‌ها، کارگاههای کوچک صنایع دستی، تانواپنها، کارگاههای آهنگری، کفاشیها، آرایشگاهها، چاپخانهها، کارخانههای بلورسازی و شیشه‌سازی، کوزهگریها، معادن و غیره و غیره، هزاران هزار کودک بجای آنکه تحصیل کنند، در شرایطی ظالمانه و غیر بهداشتی، نیروی کار خود را در برابر مزدی ناچیز می‌فروشند.

برای آشنایی بیشتر با اشتغال کودکان و نوجوانان و بعنوان مثنی نمونه، خوراک یکی از کارگاههای بلورسازی "نعمت آباد" را که در آن حتی ابتداییترین مسائل کارگری نیست رعایت نمی‌شود. (کارگرانی که با کوره‌های آتشین سروکار دارند، از وسایل ایمنی بی‌بهره‌اند و بحدت تماس دائم با خرد و شیشه، نسوز، آرسنیک، کربنات، سودا و غیره در معرض انواع بیماریها قرار دارند.) مورد بررسی قرار می‌گیرد. (از گزارش روزنامه اطلاعات ۱۵ دی ۶۱) از حدود ۲۰ کارگری از این کارگاهها، حداقل ۱۵ نفرشان کمتر از ۱۸ سال دارند که در میان آن افراد ۸ - ۷ ساله نیز دیده می‌شوند. برخی از آنها، یتیم هستند و برخی نان آوره خانواده. ● من قربانعلی جوانمرد هستم. هنوز ۱۲ سالم تمام نشده و روزی ۹ - ۸ ساعت کار می‌کنم. باید خرج خانه را بدهم. ● منصور اسدی کارگر ۱۲ ساله دیگری است و با دستمزد ناچیز که بزرگت به ماهی ۱۲۰۰ تومان میرسد بایست



او یازده سال بیشتر ندارد، این دستها باید با قلم آشنا شود، اما در حال می‌نشیند

- ۵- تعیین هدف‌تهایی حداقل سن (کار) به ۱۶ سال.
- ۶- اقدامات فوری در مناطقی که حداقل سن کمتر از ۱۴ سال است.
- ۷- تعیین حداقل سن به ۱۸ سال در کارهای خطرناک و همچنین در نظر داشتن اصل "کار مساوی - مزد مساوی".
- ۸- ممنوع کردن اضافه کار برای اطفال به هر نحو باشد.
- ۹- الزام ۱۲ ساعت استراحت شبانه و تعطیل هفتگی.
- ۱۰- مرخصی سالانه یا استفاده از مزدکسه کمتر از ۴ هفته نباشد.
- ۱۱- حمایت و کنترل بهداشتی و اخلاقی، حمایت سیستمهای بیمه‌های اجتماعی، بیماری و تصادفات کار. (اطلاعات ۲۲/۵/۵۰)

انها وظیفه انسانی خود را انجام دادیم. سرپرست دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تعداد کودکان کارگر کمتر از ۱۳ ساله را نیم میلیون نفر ذکر کرده است. و نیز برپایه آمارهای سال ۱۳۵۵، از جمعیت ۸۷۹۹۶۲۰ نفری ساغان سراسر کشور، ۵۱۱۰۵۰۴ نفر دارای سن بین ۱۰ تا ۱۴ سال بودند. (ایران در آئینه آمار). صرف نظر از آنکه این ارقام خود تاسف بار است، ولی تعداد کودکان شاغل، از این ارقام به مراتب افزون تر است، زیرا این آمار مربوط به کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله، شامل است، در حالیکه در سراسر روستاهای ایران کودکان کارگر از سن ۵ - ۶ سالگی شروع به کار می‌کنند. برای جلوگیری از کار کودکان باید: - کار کودکان کمتر از ۱۵ سال در سراسر کشور ممنوع اعلام شود. این امر در قانون کار قیستد

بقیه در صفحه ۹

برای کار کودکان کارگر - این سرمایه‌های راستین کشور - فکری باید کرد

بقیه از صفحه ۸

توصیه‌های " سازمان بین‌المللی کار " هرگز در دوران ستضاهی به مورد اجرا گذاشته نشد. و بالعکس شرایط کار کودکان را شاق تر و حادتر کرد.

توصیه کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران

مسئله اشتغال اطفال، بعنوان یکسبی از معضلات اجتماعی ما، در محافل کارگری نیز بازتاب یافت.

در متن لایحه کار پیشنهادی سومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران که در مشهد برگزار گردید، مسئله اشتغال کودکان نیز مورد توجه قرار گرفت. از جمله در ماده ۴۰ این لایحه آمده است که: " به کارگاردن اطفال کمتر از ۱۶ سال ممنوع می‌باشد مگر برای کار آموزشی و آموزش صنعت " در تبصره همین ماده گفته شد: " در شرح مقدس اسلام، اطفال تا کمتر از ۱۶ سال تحت تکفل پدران خود می‌باشند مگر با اجازه کتبی ولی طفل که در آن صورت نیز نیایستی کمتر از ۱۴ سال داشته باشند.

در مواد ۴۲ و ۴۳ لایحه کار پیشنهادی شوراهای اسلامی، همچنین کار در ساعات ۲۳ تا صبح روز بعد برای اطفال ممنوع اعلام شد و اطفال از انجام کارهای سخت و زیان آور منع شدند.

با اجرای مواد قانون اساسی مسئله اشتغال کودکان نیز قابل حل است

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه ...

اصل ۲۸ - دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای اجزای مشاغل ایجاد نماید.

سالیان دراز سلطه امپریالیسم و سلطنت مستبدانه، شرورهای ما را از دل خاک بیرون کشید و به بیخما برد. و گزوه عظیمی از کودکان ایران بر سر کنجینه‌های میهن خود، از بی‌غذایی و بی‌دوائی جان می‌سپارند.

سالیان دراز امپریالیسم و تکیه‌گاههای داخلی آن، فتودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ وابسته، از نیروی کار زن و فرد و کودک زر اندوختند، در حالیکه اکثریتست کودکان ایران، گرسنه و برهنه و پاره‌پوش و بیمار و بیسواد، بجای شیرینی کودکی، زهر تلخی محرومیت در دهان داشته و در دهان دارند.

توجه به زندگی محرومان جامعه، که کودکان نیازمندترین آنانند، از وظایف حتمی انقلاب است که باید با ایجاد دگرگونی در نظام اقتصادی کشور، بتدریج شالوده یک زندگی نوین برای مستضعفان ریخته شود.

بدون این گام اساسی نمی‌توان در زندگی کودکان، که نیازمند مراقبت و دل‌سوزی جامعه و خانواده‌هاست، تحولی اساسی بوجود آورد.

روشن است که روی سخن این مقاله به‌عنوان توکلی و شرکاء بلکه با مسئولین دلسوز جمهوری اسلامی ایران و پیروان راستین و انقلابی خط امام خمینی است که با بررسی وضعیت پر مشقت و رنج کارگران خردسال هرچه زودتر به این وضع اسف‌بار پایان دهند و امکانات لازم را جهت پرورش و باورزی استعداد های کارگران کم سن و سال - این سرمایه‌های راستین کشور - فراهم آورند.

مواردی گنجانیده شده که اگر دقیقاً به مسورد اجرا گذاشته شوند، میتوان مشکلات اشتغال اطفال را (و نیز بسیاری از دیگر مشکلات) حل نمود. از جمله:

بند ۳ - اصل ۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

بند ۱ - اصل ۳ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

بند ۳ - اصل ۱۲ - تهیه ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

اصل ۲۹ - برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر پزشکی، بیماری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، درماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمد عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

اصل ۳۰ - دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

بند ۱ - اصل ۴۳ - تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، مسکن،

ورشکستگی اقتصادی و معنوی امپریالیسم

انتشار داد که در آن مؤلف می‌پرسد که آیا مشکلات کشورهای بزرگ سرمایه‌داری ناشی از ورشکستگی معنوی نیست؟

نویسنده توضیح می‌دهد که در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اکنون ۱۶ میلیون بیکار وجود دارد. اما این تازه آغاز کار است، زیرا سیاست حاکم بر این کشورها پیوسته منجر به بیکاری تعداد بیشتری از کارگران و کارمندان میشود. اگر فقط جنبه اقتصادی این بیکاری مورد توجه قرار گیرد شاهد می‌شویم که سالانه بر اثر عدم استفاده کامل از امکانات تولیدی ۱۰۰ میلیون دلار کالا تولید میشود و این حدود ۹٪ تولید ناخالص ملی مجموعه این کشورهاست.

نویسنده مقاله می‌پرسد که آیا میتوان این بیماری را بطور جدی و واقعی از راه گرفتن خون کشورهای در حال رشد و تزریق آن بکشورهای غنی سرمایه‌داری معالجه کرد؟ آیا این منجر به مرگ بیمار پیش از درمان او نخواهد شد؟

دبیر کیل یونسکو بهنگام کنایش جهانی در نشست فوق العاده این سازمان چنین گفت: " صد ها میلیون انسان در فقر مطلق زندگی میکنند و نه به آب آشامیدنی دسترسی دارند و نه از کمک های پزشکی برخوردارند. مردم برخی از کشورها درآمدشان ۲۰ برابر درآمد اهالی کشورهای ثروتمند است که سکنه آنها حتی امید ۲۰ سال عمر کردن را هم ندارند.

برنگاه عظیمی که میان کشورهای پیشرفته غربی و کشورهای در حال رشد وابسته به آنها وجود دارد موضوع اصلی بحث در نشست اخیر سازمان گات " توافق درباره تعرفه های گمرکی و تجاری بود که در ژنو برگزار شد. مطالبات هر دو طرف کشورهای غربی مطالب فراوانی پیرامون مورد تهدید قرار گرفتن منافع غرب بر اثر متحد شدن کشورهای "جهان سوم" ، جنگ اقتصادی میان ایالات متحده آمریکا و بازار مشترک اروپا و مسائل حاد اقتصادی سرمایه‌داری انتشار دادند. از جمله روزنامه لوموند چاپ پاریس مقاله‌ای بقلم مورس وارلن

مورس وارلن برای تأیید نظر خود می‌نویسد:

مجموعه تولید ناخالص ملی کشورهای در حال رشد بجز چین حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار است یعنی ۵۲۵ دلار سرانه برای یکسال. در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری این یک نودم درآمد سرانه است که به ۹۹۷۵ دلار بالغ میشود. در میان خود کشورهای "جهان سوم" هم اختلاف درآمد بسیار زیاد است. اگر در بعضی کشورهای آمریکای لاتین رقم درآمد سرانه سالانه دو هزار دلار است در برخی کشورهای آفریقای به ۱۴۰ دلار در سال سقوط میکنند.

اما این ارقام عمومی هم واقعیت را منعکس نمیکند زیرا در تقسیم ثروت در داخل این کشورها عدم تناسب فوق العاده بزرگی وجود دارد که سه رده بزرگ‌تر هم میشود. بطوریکه ۸۰٪ درآمد ملی نصیب فقط ۵٪ اهالی میگردد. مؤلف مقاله می‌افزاید: از سی سال پیش کشورهای غربی هر کسی را که در کشورهای "جهان سوم" پسرای حفظ منافع با مشروع خود قدرت حکومتی را قبضه میکند، تنها باین شرط که منافع کشورهای سرمایه‌داری غرب را محفوظ نگاه دارد مورد حمایت و پشتیبانی نظامی قرار میدهند. و در واقع شریک بقیه در صفحه ۱۵

ما محکوم می کنیم

در زیر راه توده خلاصه ای از اعلامیه کمیته فرانسوی علیه اختناق در عراق را تحت عنوان: "ما محکوم می کنیم" درج می کردیم.

تجاوز به حق تحصیلی در عراق "عجیب" یعنی کردن تحصیلات از چندین سال پیش آغاز شد ولی از سال ۱۹۷۸ با توأم شدن با اعمال شکنجه، توهین و زیر پا گذاشتن رسالت انسانی، انعقاد بیش از پیش وسیعی بخود گرفت:

در آغاز تعدادی از دانشکده ها و مدارس عالی بصورت انحصاری فقط برای اعضای حزب بعث یا افرادی که توصیه نامه از این حزب یا اتحادیه دانشجویی وابسته به حزب بعث را دارند، درآمد. بقیه دانشکده ها و مدارس عالی نیز بتدریج

همین طریق را طی کردند و مختص بعثت شدند. منجمله مدارس عادی و تمام مدارس شریعت مری در تمام سطوح مدرسه، آکادمی هنرهای زیبا، دانشکده پلی تکنیک، مدرسه عالی ورزش و ...

مدرسه نظام و مدرسه پلیس بلافاصله بعد از بغارت رسیدن حزب بعث بصورت انحصاری برای اعضای این حزب درآمد.

در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۹ این سیاست در سطح تمام دانشگاهها در تمام جوانب ممکن گسترش پیدا کرد و از این زمان توصیه نامه از صرف یکی از سه سازمان حزب بعث، اتحادیه دانشجویی و یا سازمان حفاظت ملی بطور رسمی یکی از شروط و مدارک لازم جهت ثبت نام در دانشگاهها محسوب می شود.

بدین ترتیب، بیش از سه هزار دختر و پسر جوان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ با وجود حائس بودن دیگر شرایط و نمرات بالا، بصرف نداشتن توصیه نامه از تحصیلات عالی محروم شدند و در عوض همین تعداد دانشجویان علمی رقوم نداشتن شرایط لازم صرفا بخاطر نداشتن توصیه نامه از این سازمانها، ناحقانه توانستند در دانشگاه ثبت نام کنند.

در حال حاضر این مساله بیش از پیش شدت گرفته است و دانشجویانی که حاضر به عضویت در این سازمانهای بعثی نباشند، کترین شانس برای ادامه تحصیل برایشان وجود نخواهد داشت. دانشجویانی که توانسته اند چه قبل و چه بعد از اجرائی گذاشتن این شرط در دانشگاه ثبت نام کنند، تحت لوای نداشتن "وفاداری سیاسی" به اجرائی از دانشگاه تهديد می شوند. از طرفی سازمانهای حزب بعث و اتحادیه دانشجویی با همکاری سازمانهای امنیتی، دانشکده و مدارس عالی را بصورت يك محیط آزار و اذیت و تفتیش عقاید برای دانشجویان عضو اتحادیه عمومی دانشجویان جمهوری عراق "و دیگر دانشجویانی که تالیلات غیر بعثی دارند (دموکراتیک کونیستها، ...) تبدیل کرده اند و به این ترتیب بعد ها دانشجویان هر ساله از دانشگاهها اخراج و از تحصیلات عالی محروم می گردند. فرم ثبت نام در دانشگاهها سؤالاتی همچون

"تالیلات سیاسی خانواده" و ... را در بر دارد. همراه با طرح اجباری شدن تحصیل در سال ۱۹۷۹ برنامه بعثی کردن آموزش نیز همزمان به اجرا گذاشته شد. این تصمیم خودگامه نه تنها برنامه درسی را شامل می شود بلکه هزاران مدرسه و دانشجو و دانش آموز را نیز در بر می گیرد. بدین ترتیب که تمام مدرسين، استادان، مربیان و تمامی کسانی که به نحوی با کادر تربیتی در ارتباطند باید بین عضویت در حزب بعث و یا رها کردن شغل تدريس یکی را انتخاب کنند. البته دومین راه به همینجا ختم نمی شود، چه فرد مستعفی توسط مامورین حفاظتی و امنیتی تحت تعقیب قرار می گیرد و عاقبت کارش به بازداشت و زندان و انواع و اقسام شکنجه جسمی و روحی و تبعید ... ختم می شود. همه اعضای غیر بعثی کادر تربیتی بدین ترتیب می بایست فرم تقاضای عضویت در حزب بعث را امضا کنند و مریانی که عضو حزب کونیست شده اند، علاوه بر این باید با مسئولین "هنگاری (اجباری)" داشته باشند و تمام اطلاعات خود را در مورد حزب و رفقای شان در اختیار مدیریت استثنوی دانشگاه بگذارند که آنها نیز طبیعتا آن را به اداره امنیت گزارش می کنند. از سال ۱۹۷۸، دفتر امنیتی در تمام مدارس و

دانشگاهها مستقر شده است و بدین ترتیب هزاران مری غیر بعثی هر روز در ملاعام و در جلوی چشم شاگردانشان مورد توهین، احتسک حرمت و ضرب و شتم قرار می گیرند.

در اکتبر از ۴ ماه (سپتامبر - دسامبر ۱۹۷۸) ۲۰۰۰ مری و معلم بازداشت و مورد توهین و شکنجه قرار گرفته اند.

طبق تصمیم محرمانه ای که در وزارت تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی عراق گرفته شده است، مدیران مدارس و موسسات و روسای دانشگاهها موظفند که معلمین، مدرسين، استادان و کمک استادان را به عضویت حزب بعث در آورند و چنانچه کسی از این امر سر باز زند باید کتابچه پرسش نامه آنها در آن امثال سؤالات زیر مطرح است: پاسخ دهید:

- آیا کونیست یا هژوا از کونیست هستید؟
- برای چه از عضویت در حزب امتناع می کنید؟
این مساله که تا چندی پیش فقط کونیستها را شامل می شد، هر روز گسترش بیشتری می یابد و اکنون تمام نیروهای مخالف و غیر بعثی را تهدید می کند.

در حال حاضر مدرسين و معلمان در داخل و خارج عراق پراکنده شده اند و این در حالی است که کمبود کادر تربیتی و علمی در تمام کشور روز به روز محسوس تر می شود و صدها مدرسه و انستیتو و دانشکده دچار کمبود معلم هستند و کار بجائی رسیده که مطبوعات رسمی حزب بعث هم از این مساله به صدا درآمده اند!

جنبش صلح در انگلستان

این تصمیمات و نقطه نظرها مبنی خواست های عمیق توده های مردم است که خواهان زندگی در آرامش و صلح می باشند، زیرا بختگ و انهدام امنی باعث وحشت و نگرانی روز افزون مردم، خصوصا جوانان گشته است.

حکومت فعلی انگلیس که نمایندگی هارترین جنبش ناپاک ای بریتانیستی این کشور را دارا است در مقابل این جنبش ناپاک ای بریتانیستی که دست میزند، از جمله در ایام تیرتولوم تعدادی از زنان مبارزی را که در برابر یک پایگاه هوایی نظام کرین هام که در آن قرار است موشکهای آمریکائی "کروز" سال آیند مستقر شوند، دستگیر و به زندان محکوم کرد. عرصه دیگر جنگ روانی تبلیغاتی است که در آن مدافعین نظام پوسیده امپریالیستی در مطبوعات خود فروخند به جمله علیه جنبش صلح و جعل اخبار برای ارتباط دادن به اتحاد شوروی مشغولند.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا در کنفرانس اخیر "سی.ان.دی" شرکت کرد و موفق شد نقش موثری در شناساندن انقلاب شکوهمند مردم ایران و افشای توطئه تجاوز رژیم بعث عراق به ایران انقلابی ایفا نماید.

در جریان کنفرانس نمایندگان تشکیلات زنان همرا با سایر نمایندگان مرفقی به فعالیت بساری خریج از ناتو را می دادند که با اکثریت آرا به تصویب رسیدند.

اخیرا جنبش صلح در کشورهای اروپای غربی وارد مرحله نهایی از رشد خورشده که شاخمران اقدامات ضد امپریالیستی است. و اواخر ماه نوامبر ۱۹۸۲، از سوی جنبش صلح در بریتانیا موسسه به مبارزه برای خلع سلاح هسته ای "سی.ان.دی" در کنفرانس سالانه تصمیم به خریج از بیمان تا گرفته شد. این واقعه بسیار مهمی در روند رشد جنبش صلح در این کشور، بعد از تصویب خلع سلاح یک طرفه از سوی حزب کارگر انگلیس در ماه سپتامبر می باشد. در جریان تصمیم گیریها آقای مک تاوش، یکی از نمایندگان حاضر در کنفرانس، طی سخنانی گفت: "ناتو چیزی از سیاست های جنگ سرد است ما تا اینجا موفق شدیم که سیاست خلع سلاح یک طرفه را تثبیت کنیم، حال بایستی این سیاست را با سیاست خریج از ناتو تکمیل کنیم." یکی دیگر از نمایندگان حاضر در کنفرانس در رابطه با لزوم پیوند جنبش صلح و جنبش کارگری گفت: "ما از طریق تشکیله به اتحادیه های کارگری موفق خواهیم شد در مقابل موشکهای میان برد بایستیم."

در رابطه با عمومیت یافتن خواست های صلح طلبانه و مخالفت با استقرار سلاحهای اتمی، میتوان از اقدام مقامات شوراهای اداری در ۱۴ شهریور سرتاسر بریتانیا یاد کرد که اعلام نمودند در مقابل زیر شترن شوراهای مدیریت این شهرها استقرار و کردن سلاحهای اتمی و همچنین حمل و نقل اینگونه سلاحها ممنوع می باشد.

کارشناسان کوبائی در شاخ آفریقا

هنگامیکه يك بريكاد جاده سازی کوبائسی در منطقه میزان تفری در جنوب غربی اتیوپی ناحیسه کا فا ، وارد شده تازه واردان اند وخته مختصری از کلمات فرآگیرترین زبان اتیوپی را بخاطر سپرده بودند و صمیمانه ساکنان منطقه را "گودانیا" صدا میزدند، لغتی که هم بمعنی دوست و هم بمعنی رفیق است. ۳۰ میلیون ساکنان اتیوپی به بیش از ۷۰ زبان مختلف صحبت میکنند، به این جهت نه تنها مردم "نیولت" در جنوب غربی بلکه حتی دهقانان طایفه "گوراجه" ساکن در آن منطقه هم معنی لغت را نمی فهمیدند. آنها تصور میکردند که این يك علامت برای بجاده سازیها است. این اشتباه خیلی زود اصلاح شد ، اما آن زمان بسعد متخصصین کوبایی که در مناطق وسیعی از کشور به نوسازی و باز سازی کمک می کنند ، در سراسر اتیوپی "گودانیا" نامیده میشوند .

کوبائی ها به این خاطر نیامده بودند که در جنگل های اطراف به شکار حیوانات وحشی بپردازند ، چیزی که در زمان امپراتور اغلب تورست های تروند انجام می دادند ، و با جیب های خود بی ملاحظه بر روی زمین های دهقانان میراندند. آنها به این خاطر آمده بودند ، که يك جاده از میزان تفری تا "تی" بطول ۵۰ کیلومتر بسازند . ذرات بسیاری از این طریق به شبکه جاده های کشور متصل شدند و اکنون حتی روزه های بارانی هم ماشین پهنشک میتواند به آنها دسترسی داشته باشد . دهقانان حالا میتوانند از میزان تفری محصولات کشاورزی و بخصوص قهوه معروفي که منطقه "کانا" اسم خود را هم از آن گرفته است را بازار مرکز ایالات شهر "جیما" و از آن جا به آدیس آبابا که ۳۵۰ کیلومتر دورتر است برسانند . و این اهمیت و سنزای برای دهقانان دارد کمک متخصصین کوبایی در پیاده کردن برنامه های بی شمار توسعه اتیوپی امروز در همه جا قابل لمس است . از آماري که به تازگی منتشر شده برمی آید که در حال حاضر ۷۵۰ کوبائی متخصص در کشور اتیوپی به کمک های سوسیالیستی مشغولند . مهندسين کشاورزی ، از اولین کشور

سوسیالیستی آمریکا در کشاورزی اتیوپی بکار مشغولند . آنها بخصوص به گسترش بخش تعاونی و دولتی کشاورزی که کمسیون تشکیلات حزب زحمتکشان اتیوپی در دولت قرار داده است ، کمک می کنند . هدف اصلی اینست که گام به گام به خودکفائی در زمینه مواد غذایی نزدیک شوند . اگر گاوها در تعاونیها و بخش دولتی اتیوپی امروز سالم تر از گذشته هستند ، این مدیون تلاش دامپزشکان کوبائی است . آنها همچنین نسرژند جدیدی که گوشت و شیر بیشتری از آن بدست می آید را ، پرورش میدهند . نمونه دیگر ، در ۵۰ کیلومتری جنوب آدیس آبابا است که تهیه و توزیع آب به نحو چشمگیری بهتر شده ، متخصصین کوبائی در این جا دو مخزن آب به گنجایش ۲۸ میلیون متر مکعب ساختند و بالاخره در يك شهر دیگر هم با کمک کوبا يك کارخانه سیمان سازی در حال احداث است . بعد از اتمام کارخانه ، اتیوپی میتواند تولید سیمان خود را سه برابر کرده و به این ترتیب پروژه های توسعه خود را پیاده کند . در تعداد زیادی از بیمارستانها و دانشگاه آدیس آبابا پزشکان و استادان کوبائی در پیشرفت بهداشت عمومی کمک می کنند .

پایه اساسی ، همکاری اتیوپی و کوبا - در تمام این زمینه ها قرار داد دوستی و همکاری است که در سال ۱۹۷۶ بین فیدل کاسترو و میکستو هاپله ماریام امضا شده است و همه ساله کمسیونهای مشترک - اقتصادی علمی و فنی ، همکاری متقابل تشکیل می شود تا آمار کارهای انجام شده و طرح پروژه های جدید را بررسی کنند . طبق اظهار نظر "آدیس تدکا" رئیس کمسیون اتیوپی و معاون دبیرکل شورای عالی برای توسعه و توسعه ملی انقلابی و مرکز برنامه ریزی : "کشورها سوسیالیستی و کوبا ثابت کردند که يك متحد واقعی ، در نبرد ما برای ساختن يك جامعه سوسیالیستی و توسعه اقتصادی ، هستند "

رژیم کره جنوبی بدون نقاب

آمریکا پس از شکست عملیات تجاویز اشرفیسه جمهوری دیمکراتیک خلق کره ، تلاش کرده است با دادن میلیونها دلار "کمک" به رژیم "کره جنوبی" ، آنرا به پایگاهی علیه کره دیمکراتیک بدل سازد . آنها میکوشند تا بدینوسیله "شبهتات اقتصادی و سیاسی" رژیم دست نشانده خود را حفظ کنند . این تزریقات "میلیون ها دلاری" و استثماری بی حد کارگران کم مزد کره ای باعست بوجود آمدن نظامی شد که بلند گویای غربی از آن بشابه "نمونه بارزی از سرمایه داری موقوف در يك کشور در حال رشد" یاد میگردند .

اما در این بین دیگر خبری از این نظریات نیست . اقتصاد کره جنوبی در ورطه ورشکستگی قرار گرفته است . هشت درصد جمعیت فعال کشور بیکارند ، و نرخ تورم سالهاست که مرز ۷۰٪ را شکسته و قروض خارجی آن از رقم نجومی ۲۳ میلیارد دلار نیز بالاتر است . علل این نزول سرچ با خرجهای بی حد و حساب نظامی رژیم خاکم سئول در ارتباط مستقیم است . نزد يك به ۴۰٪ بودجه کشور به ارتش ۱۰۰ هزار نفری و دستگاه پلیس اختصاص داده شده است . برنامه قدرتیزه کردن ارتش کره جنوبی نیز بنا به تخمین صاحب نظران بیش از ۱۰ میلیارد دلار خرج بر خواهد داشت . "وامهای خیرخواهانه" آمریکا به رژیم سئول برای خرید اسلحه اصلا بندست خود رژیم سئول نیز نمیشود . آمریکا این مبالغه را مستقیما به حساب شرکتهای طرف قرارداد در آمریکا واریز میکند . ادامه حیات رژیم فاسد تنها با ترور و قتل و جنایت ممکن است . شکنجه و رفتار ضد انسانی با مردم در دستور روز دستگاههای تشخیصی رژیم قرار دارند . "ضمانتهای امنیتی" آمریکا برای کره جنوبی در ارتباط تنگاتنگ با استراتژی عمومی امپریالیسم و اهداف آن در این منطقه از جهان قرار دارد . استقرار ۴۰ هزار سرباز آمریکائی در کره جنوبی ، حضور دائمی ناوگان هفتم آمریکا در نزدیکی سواحل کره "جترائی" آمریکا و بالاخره "وام مخصوص" دو میلیارد دلاری در موارد اضطراری که و این - برگر احیرا قولش را داده است همگی در جهت تمدید جمهوری دیمکراتیک خلق کره و قبل از همه همسایه قدرتمند آن اتحاد شوروی انجام میگیرد .

تداومی کشور را بالا برده و آگاهی فنی و سیاسی ارتش را نیز افزایش دهد . همچنین گفته میشود که باید مناسبات بنا احزاب کمونیستی ، بهره حزب کمونیست اتحاد شوروی گسترش یابد ، زیرا تجارب آنها برای تکامل انقلابی کشور بسیار ارزشمند است . تقویت تعاون های کشاورزی و گسترش مزارع دولتی ، حلقه مرکزی رشد اقتصادی کشور تلقی شده است . کنگره تأکید کرده است که باید اصول سوسیالیستی کار بیگانه در کارخانه های دولتی پیاده شود . همچنین لازم است که برای انجام پروژه های بزرگ صنعتی تلاشهای گسترده ای در جهت استخراج مواد خام داخلی انجام گیرد . همچنین تأکید شده است که در رابطه با شرایط معین کشور صنایع کوچک و کارگاههای تعاونی تولیدی باید گسترش یابد .

برقرارداد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دیمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اتیوپی در راه رشد همه جانبه

دومین کنگره کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی ، در آدیس آبابا برگزار شد . در این کنگره تصمیم گرفته شد که حزب تا اواخر سال آینده مسیحی تشکیل شود .

منگنیتهو هاپله ماریم ، در نطق اختتامیه خود گفت که ادامه موفقیت آمیز سمت گیری سوسیالیستی کشور به تشکیل حزب مارکسیستی - لنینیستی که با توده های خلق پیوند صیق داشته باشد بستگی دارد .

در هیوات کنگره سیاست تسلیحاتی و مقابله جوانه امپریالیسم به عنوان خطری برای صلح جهانی محکوم شده است . اتیوپی نیز همچون کشورهای شرقی دیگر منطقه مورد تهدید اهداف تجا و کارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیسج فارس و دریای سرخ واقفانوس هندی قرار دارد . در این رابطه کنگره از دولت خواسته است که تسولن

در هیوات کنگره سیاست تسلیحاتی و مقابله جوانه امپریالیسم به عنوان خطری برای صلح جهانی محکوم شده است . اتیوپی نیز همچون کشورهای شرقی دیگر منطقه مورد تهدید اهداف تجا و کارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیسج فارس و دریای سرخ واقفانوس هندی قرار دارد . در این رابطه کنگره از دولت خواسته است که تسولن

در هفته ای که گذشت:

همراه با کارگران و زحمتکشان به استقبال چهارمین سالگرد انقلاب برویم

با فرا رسیدن ۱۲ بهمن ، سالگرد بازگشت رهبر انقلاب به میهن ، ایام بزرگداشت آغاز پنجمین سال انقلاب بنام " دهه فجر " یا پیام حضرت آیت الله منتظری طی مراسمی در پیشگاه زهرا آغاز شد . در سراسر میهن انقلابی کارگران و زحمتکشان که تا بحال از هیچ فداکاری در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه های دشمنان آن فروگذار نکردند ، به استقبال سالروز ۲۲ بهمن ۵۷ میروند ، با این امید که سال پنجم انقلاب سال شکستن کمر بزرگ مالکی ، سال مبارک کردن تروریسم اقتصادی ، سال دولتی کردن بازرگانی خارجی و سال تصویب قانون کار انقلابی باشد .

ما هواداران حزب توده ایران درخار از کشور نیز همگام با همه مردم زحمتکش میهنان و نیز همه نیروهای مدافع انقلاب به استقبال چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب میرویم ، به ارزیابی تجربیات بدست آمده می پردازیم ، دستاوردهای گرانمایه انقلاب را آنچه می گذاریم علیرغم همه مشکلات و مسایلی که دشمنان انقلاب و سلب کنندگان آن بوجود آوردند ، سالگرد انقلاب را ما نه تنها بعنوان یادبود روزی که رژیم متفلسف سلطنت ۲۵۰۰ ساله به زیاده دان تاریخ سپرده شد ، بلکه همچنین بنشانه طلیعه تحولی بنیادی که باید در حیات اقتصادی - اجتماعی کشورمان انجام گیرد ، پاس میداریم .

ما همچون کارگران و زحمتکشان ، که استوار و پیکر در سنگر دفاع از انقلاب ایستاد مانده ، چشم امید به سال پنجم انقلاب داریم ، که بایند ارمغانهای گرانقدری برای صاحبان اصلی انقلاب ، بهمراه داشته باشد .

زحمتکشان صاحبان اصلی انقلابند

امام خمینی دزدیدار با نمایندگانش مجلس شورای اسلامی پاردگیر بر این نکته تاکید کردند ، که این مردم بودند که " آن مجلس های طاغوتی را بهم زدند و یک مجلس اسلامی درست کردند . دست بسیاری را از توی جیبها گرفتند و بیسرون آوردند . از تبعیدها ، تبعید شدند . " را برگرداندند . این ها همه چیزهایی بود که مردم کردند . با اذعان می نمایم بنشینم که من گسردم ، شما کردی ، جامعه کرد . . . جلو افتادند و جواب

نمایشان را فدا کردند و همه چیزشان را دادند و آن رژیم را و آن کسانی که آن رژیم را تقویت می کردند رفتند و یک جمهوری اسلامی پیسدا شد . سپس رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی گفتند :

" اگر ده مرتبه اینطور اتفاق بیفتد که یک عده ای اکثریت هستند ، یک چیزی بگویند و یک عده هم در اقلیت باشند و چیز دیگری بگویند و آنوقت به شورای نگهبان برود و رد کنند ، اکثریت را نقض کنند ، اگر چندین دفعه اینطور بشود مردم آزرده می شوند . " امام سپس با اشاره به خطر بزرگی که انقلاب را تهدید می کند تصریح کردند : " خصر بزرگ . . . آنست که یک وقتی منت از حکومت برگردد . " و تاکید کردند که اگر اعتماد مردم از حکومت سلب شود ، " آنروز است که برای ما مصیبت پیش می آید ، آنروز است که دیگر نه جنگ می تواند پیروز باشد و نه مجلس می تواند موفق باشد و نه دولت آنجا است که بایست فاتحه را بخوانیم . "

این بیانات امام در حقیقت هشدار جدی است به همه کسانی که دلشان برای انقلاب می تپد ، هشدار ، که انقلاب در خطر است ، هشدار ، که زحمتکشان که صاحبان اصلی انقلابند اگر از انقلاب روی گردانند دستاوردهای انقلاب جدا بخضر خواهد افتاد . و واقعیت نیز این است که اگر حق مستضعفین از بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران گرفته نشود ، اگر به غارتگری " کساح نشینان " خاتمه داده نشود ، " نوحه نشینان " اعتمادشان از انقلاب سلب خواهد شد . آنروز است که برای ما مصیبت پیش می آید . "

پیام امام : بیم ها و امیدها

حجت الاسلام شجونی نماینده مردم کرج در مجلس شورای اسلامی در صاحبه با اطلاعات درباره پیام ۸ ماده ای امام می گوید : " ابعاد این پیام گریبان همه را می گیرد ، و مخصوصا به قوه قضائیه توجه دارد . مسئولان ما در کوران انقلاب ، استیضاهات زیادی مرتکب شده اند . ما زندانیان بلا تکلیف داریم ، زندانیها داریم که مدت محکومیتشان تمام شده ، ولی آزاد نشده اند . ما زندانیانی داریم که یا حاکم شرع به آنها ستم کرده و یا (حاکم شرع) اصلا وقت آنرا نمی یابد که برایشان حکم صادر کند . در حال حاضر من زندانی ای را سراغ دارم که وقتی به ۵ سال محکومیتش اعتراض کرد ، حاکم شرع او را به حبس ابد محکوم کرده است . بچند حکم گفته : " توبی گناهی ، آزادی می کنم . اما بروم قم و برگردم ، تا تکلیف را روشن کنم . " حاکم شرع آمده قم و موفق بازگشت ، بخاطر تخلفات زیادش گرفتار عدالت شده است ، ولی زندانیسی مذکور به حالت پیمارو درمانده ، هنوز در زندان بسر می برد . "

آری ، صد ها توده های و فدایی خلق (اکثریت) در زندانها بلا تکلیف بسر می برند و هیچ رسیدگی ای بوضع آنها نمی شود . حجت الاسلام شجونی ادامه می دهد :

" اگر دادستان یا حاکم شرع را تمیسه می کنند ، تکلیف محکومین آرا آنها چه میشود ؟ من هنوز برای این سوال جوابی از کسبیبی نندشیدم ، بینه غیر از چند مورد تخلف که اعلام شده ، خیال نمی کنم ، کار دیگری تا کنون در پیگیری فرمان امام انجام شده باشد . "

آقای ملک پور نماینده زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی میگوید :

" از فرمان امام نتیجه دیگری هم بایست گرفت ، و آن اینکه مسئولان امور نباید همان کنند که کم کاری ، سهل انگاری و احتیاط کارهای بیرویه ، فراموش می شود ، آیا می خواهیم ، مثلا در مورد زندگی محرومان جامعه ، آنقدر این دست و آن دست کنیم تا باز هم بانک امروایی امام بلند شود ؟ آنچه مربوط به مجلس است ، به گمان من ، چهار سال کافی است تا مردم بتوانند از ثمرات انقلاب بهره مند شوند . مسأله از قبیل ملی شدن تجارت خارجی ، تعیین تکلیف زمین های بزرگ در روستاها ، علاج بیکاری و گرانی و توجه به اجرای همه اصول قانون اساسی ، بایست حل شود . نباید منتظر باشیم تا امام باز هم خروش بردارند ، که یک موی کوخ نشینان بسه اند از همه کاخ نشینان ارزش دارد . . . "

آری ادامه پیگیری فرمان ۸ ماده ای امام با بیم ها و امیدهای فراوان همراه است . ایسا پیام امام در جهت خدمت به مستضعفین ، در جهت خدمت به مستضعفین ، در جهت حاکمیت آرایش منگی بر قانون ، در جهت احیای حقوق ستم دیده ها و تقمین آزادی های سیاسی و اجتماعی ، پیگیری خواهد شد و یاندر طول زمان به فراموشی سپرده شده و یا حتی در جهت بازگرداندن زمینهای صادره شده ، در جهت تامین " آزادی " غارت و چپاول ، از آن سو استفاده خواهد شد ؟

قانون مالک و مستاجر جوابگوی خواست زحمتکشان نیست

خبرنگار اطلاعات در دادگاه صلح تهران از مادر دردمندی می پرسد :

" برای چه صاحب خانه عذرتان را خواسته است ؟ " - با بغضی تلخبار شده میگوید : با وجودیکه ۶ ماه اجاره خانه را بالا برد ما بیم پبله کرده است که بایست در هر ماه ۵ هزار تومان اجاره برای ۲ اطاق بدهیم یا برویم . اما ما که آهی در بساط نداریم حالا آمد ما بیم که شاید رئیس دادگاه نگذارد به ما ظلم شود . " - ساز او می رسد که از دولت چه انتظاری داری ؟ " - میگوید : تنها انتظار ما این است که بیا بقیه در صفحه ۱۳

در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

نگار ارد صاحب خانه ما را بیرون کند و بیست و دو اطاق برای اقامت در اختیار ما بگذارد. من که شوهر و پسر بزرگم در چشمه‌ها هستند اگر بسک شبه بخواهند ما را بیرون کنند دخترهای بزرگم را کجا ببرم. . . . و دیگر نمیتواند ادامه بدهد بغض تلخ‌ان شده در سینه‌اش منفجر می‌شود و های های به گریه می‌افتد (کودک سه ساله‌اش که اشک مادر را می‌بیند شیون سر می‌دهد. . . .)

(اطلاعات - آدم‌ها) ۲۰ دیماه گذشته لایحه "مالک و مستاجر" از تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی گذشت. اینک با دسترس به متن کامل لایحه، می‌توانیم مروری بر آن داشته باشیم.

مهمترین نکته در رابطه با این لایحه این است که طبق ماده ۴ آن موجر می‌تواند در صورت عدم پرداخت کرایه توسط مستاجر در عرض ۲۰ روز اناشیه او را به خیابان بریزد.

آقای وزیر مسکن و شهرسازی در جرمان بخشهای مجلس درباره این قانون گفت: "اگر این طرح تصویب شود، تخلیه ۲۰ برابر میشود. طرح "لایحه" در مجلس، بخشهای زیادی را پیرامون آن در جامعه و در درون مجلس برانگیخت. از یک سو طرفداران سرمایه‌داری و صاحبان مستغلات تحت عنوان "مردم مختارند" و "پسا تعیین اجاره نامه از طرف دولت طلب آزادی مردم است" علنا به دفاع از غارتگری طفیلی‌وار سرمایه‌داری پردازا شدند.

از سوی دیگر نمایندگان راستین مردم در مجلس و خود زحمتکشان در بیرون از مجلس به بهترین نحو به جوانب سائله اشاره کردند و راه

حل آنرا نیز ارائه دادند. آیت الله موسوی اردبیلی نیز در نماز جمعه تهران با اشاره به این مهم گفت: "افزادی به من نامه می‌نویسند که شما جلوی تخلیه را بگیرید. . . . مگر میتوانیم هر داری را انجام دهیم؟ قانون مدنی تصریح می‌کند وقتی که مدت اجازه تمام شد و مالک مراجعه کرد، مستاجر باید تخلیه کند. " سپس او فریاد بر می‌آورد و می‌گوید: "آخر این مالک تروریست اقتصادی است! او در خانه خود نشسته، دهها مستغلات خالی دارد، نه مالیات می‌دهد و نه اجاره‌این مرد می‌کشد در نتیجه مظالم اجتماع نه در نتیجه تفسیر و نه در نتیجه کم کاری، بلکه در نتیجه اقتصاد غلط و سیاست‌های غلط روز بروز بز محرومیت‌شان افزود و خنده، وضع مسکن به شکلی درآمده که می‌ترسند وقت مژدن قبر هم گیرش نیاید، این‌سرا چه کنیم؟! "

در پاسخ به این سوال که تنها از سوی آیت الله موسوی اردبیلی، یکی از پیروان راستین خط امام مطرح نمی‌شود، باید گفت که راه برون رفت از این فاجعه اجتماعی چهارسال پس از پیروزی انقلاب کوچ نشینان علیه کاخ نشینان لغو قوانینی است که چنین ظلمی را به زحمتکشان و مستاجران روا می‌دارند و تصویب قوانینی است در خدمت مجرومان!

دوستان و دشمنان انقلاب را از هم بازشناسید

صف دشمنان انقلاب ایران در منطقه روز - بروز فشرده تر می‌شود. امپریالیسم آمریکا و فرانسه و همه مرتجعین منطقه با تمام قوا از رژیم

صف دشمنان حمایت می‌کنند. مرتجعین عرب فنیستیک قیمت نفت را پایین می‌آورند تا به قیمت نفتی اسلامی ایران فشار آورند. جنگه تخمینی است جنگ فرسایشی بدل شده است که از آن پسند عنوان اهرم اعمال فشار بر انقلابیان استفاده می‌کنند. حضور نظامی آمریکا در منطقه افزایش یافته است و

در چنین شرایطی، تنها پاسخ شایسته به این توطئه‌ها اتخاذ یک سیاست خارجی متین و انقلابی است که دوست و دشمن را از هم باز شناسد و عملاً در جهت تقویت جبهه نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه کام بردارد.

در هفته گذشته نامهای مثبت چندی در جهت نزدیکی به جبهه پایداری برداشته شده است که قبلاً نیز درباره آن صحبتی داشتیم. ابتدا در همین حال پدیده‌های نگرانی آوری تیزتر مشاهده می‌شود که مغایر مصالح انقلاب است. از جمله باید ادامه سیاست نادرست در فبال جمهوری دموکراتیک افغانستان و سیاست "روابط مودت آمیز" (۱) با پاکستان و ترکیه را نام برد. بار دیگر وزیر از طرف دار و دسته نظامی حاکم بر ترکیه به تهران آمدند و حتی صحبت از این میان آمد که میبادلات اقتصادی با ترکیه ۲۰ درصد افزایش داشته است!

ترکیه و پاکستان خیر انقلاب ما را نمی‌خواهند. این دو رژیم متحد امپریالیسم در منطقه هستند و پایگاه توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ما و سایر انقلابیایرهای بخش، مانند انقلاب افغانستان هستند. نمی‌توان با لیبی، سوریه و یمن و دموکراتیک سیاست خارجی هماهنگ "آقای ولایتی" داشت و در همین حال با ترکیه "روابط مودت آمیز" (پار هم آقای ولایتی) مقابله یا توطئه‌های امپریالیسم اتخاذ یک سیاست خارجی ضد امپریالیستی را ایجاب می‌کند. دست را از دشمن باز شناسید.

داستان کوتاه فانی که آخو شد

بقیه از صفحه ۱۴

تمام این مسائل (کارگری) مسؤل هستیم. . . . و همان کارگر اصفهانی نیز خاطر نشان کرد: "پس از انقلاب همه کارگران حزب اللهی چشم امید و انتظار به قانون کار دارند. امید داریم دو میلیون کارگر ایرانی با تصویب این قانون اسلامی خوشحال شوند. اما نباید آن روزی که زلزله (!) در این کارگران حزب اللهی بیافند."

آن که تصور می‌کند با "شیرین" زیانسی می‌تواند "نان" این کارگران را "آجر" کند، باید خیلی زرنگ باشد و همان طور که زندگی از جمله در مورد قطب زاده و بنی صدر، نشان داده است، آدم های خیلی زرنگ، جوانمسرک می‌شوند!

همکاران آمریکا داعیه انقلابی گری دارند!

طارق عزیز که از "روابط عالی" با مجاهدین صحبت میکنند در همین صاحبه با لوموند به دادن "کمک مادی" به مجاهدین اعتراف می‌کند و می‌گوید: عراق دارای "روابط عالی" با همه جناح‌های دیگر اپوزیسیون (طبقه رژیم انقلابی ایران)، از جمله با مجاهدین خلق است" و ادامه می‌دهد: "ترجیح می‌دهیم در مورد آن که آیا ما به آنها کمک مادی هم می‌کنیم یا نه سکوت کنیم چون ممکن است باعث درد سرشان بشود!! این است عاقبت آنها که راه خیانت به خلق و انقلاب را انتخاب کردند." آیا نیروهای صادقی که به دام رهبری‌خائن در سازمان مجاهدین افتاد مانند ابر خطر را خواهند شنید؟

خبرنگار لوموند در صاحبه ای از طارق عزیز، معاون صدام که به پاریس سفر کرده بود سوال می‌کند: لوموند - آیا رژیم شما با ثبات است یا نه؟ بعضی محافظ رسمی ایالات متحده تردیدهایی در این مورد ابراز می‌دارند. طارق عزیز - روشن است که دولت آمریکا چنین ارزیابی نمی‌کند. دلیل آن است که آمریکا و امی به مبلغ ۴۶۰ میلیون دلار با نرخ بهره پائین، جهت خرید گندم، برنج و جو به ما داد است. همکاری ما با ایالات متحده در همه عرصه‌ها دائماً روبه گسترش است. همه چیز حاکی از آن است که واشنگتن هیچگونه تردیدی در مورد آینده ما ندارد. صدام حسین ظاهراً از همین "وام واشنگتن" به "سازمان مجاهدین" کمک میکند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

بقیه از صفحه ۱

چگونه بر بنیاد خط انقلابی خود این سه هدف عمده انقلاب یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را ترسیم میکنند.

" ما در مقابل آمریکا تا آخر ایستاد میایم و نخواهیم گذاشت آمریکا برگردد. " (امام خمینی) " هان ای مظلومان جهان ! از هسر قشر و از هر کسوری که هستید به خود آید و از هیاهو و عریده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید و جهان را به آنان تنگ کنید و حسق خود را با مشت گره کرده از آنان بگریزد. " (امام خمینی)

" به همه مردم بگویند، ما نه طرفدار فتودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه دارها " (امام خمینی) " وضوح در ایران بصورتی بوده است که حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ برد هاند و امروز هم دارند می برند. بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمینهای خود نمی باشند، ما همه آنان را به پای میز محافه می کشیم، ما یملک سرمایه آنان را مورد بررسی قرار می دهیم و حقوق همه مردم محروم را کسبه عمری است مالکین بزرگ و سرمایه داران بزرگ خورد هاند به محرومین باز پس داده می شود. " (امام خمینی)

اسلام بیش از هر دینی و پیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است. در جمهوری اسلامی کونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند. " (امام خمینی)



ملیونها تن از مردم در سراسر مملکت، به این پیام، به این بر نامه مبارزات مرحله جدید، با مشت های گره کرده، با هلهله از دل و جان برخاسته، با غریو رزمی خود پاسخ مثبت دادند. حزب سوده، ایران نیز از همان آغاز در میان جنجال گوشخراش چپ روها و چپ نماها عناصر عمده و تعیین کننده را در این خسب تشخیص داده و همواره از خط ضد امپریالیستی و مردمی آن پشتیبانی کرده و میکند.

دستاوردهای انقلاب در جهت آماج عمده آن بدون تردید قابل توجه است، ولی با کمال تاسف باید گفت که یحسان نیست. در حالیکه در جهت برانداختن نظام استبداد سلطنتی و محدود ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیستها کامیابی های دامتداری بدست آمده است، اما هنوز در زمینه تامین واقعی آزادی برای محرومان جامعه که رهائی از غارتگری و بهره کشی اقتصادی پایه اساسی آن است و همچنین دگرگونیهای بنیادی بسود محرومان جامعه گام مهمی برداشته نشده است.

امروز پس از ۴ سال، امام یاردیگر در فرمان ۸ ماده ای خود مستولان تمام ارگانها و نهادها انقلابی را بر اجرای قاطعانه قوانین بنیادی فرا میخواند، اما هنوز پس از چندین هفته از صدور این فرمان نمی توان از آن صحبت کرد که آنچه هدف این فرمان تاریخی بوده است تحقق یافته است.

سخنان امام را بیاد بیاوریم که گفت: " من هر

روزی که از این انقلاب میگذرد توجه به این امر بیشتر میکنم که ملت، انقلابی عمل کردند و مسأله نکردیم، و یا مقصریم و یا قاصر، در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدیم. ما بسا بی تجربگی آن کارهای انقلابی را که باید در اول انقلاب بشود با مسامحه گذراندم و همان مسأله موجب شد که این گرفتاریها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم مگر انقلابی جبران کنیم. "

داستان کوتاه نانی که آجر شد

وی در ادامه " مزه " اش در مورد کارفرمای بی دین میگوید: " اگر (کارفرما) دین نداشته باشد، در آن صورت پول را دوست دارد (پسر خلاف کارفرمای دین دار، که پول را دوست ندارد!) در نتیجه تا دم مرگ هم حاضر نیست از پول خود (!) صرف نظر کند توجه می کنید. آقای وزیر کارفرما حتی پول کارفرمای بی دین را هم محترم می داند و از " پول خود " و نه خون شیشه شده کارگران صحبت می کند! حالا خود شما قضاوت کنید، که آیا کارگر اصفهانی حق نداشته است از " شیرین " زینت آقای توکل صحبت کند؟ همانطور که حامیان آقای توکل صحبت کنند؟ در دلفان از شیرین زینت آقای توکل قند آب بشود، که او چگونه سر کارگر را گرم می کند و " جواب " دلبره آنها را از فقدان بیمه بازنشستگی و بی کاری یا یک " شیرین " زینتی می دهد.

اما راستگرایان و عاملینشان کور خواند مانده با " شیرین " زینتی نمی توان خاک به چشم کارگران ریخت. در همان جلسه کارگری خطاباً به آقای وزیر گفت: " آقای توکل شما در برابر بقیه در صفحه ۱۳

دلبره کارگر را از دوران پیری و ضعف، بی خانمانی و درندگی و فقدان درآمد بر طبرف می سازد و از او یا کامی " شیرین " شده دعوت می کند، که در جلسه بعدی " پرش و پاسخ " با آقای وزیر، کام خود را بازم " شیرین " تر کند و برای خاطر جمع کردن کارگر از تا همین دوران پیری تا لحظه مرگ می گوید: " اما در مورد کارفرمای که میخواهد کارگاه خود را تعطیل کند این کارفرما یا دین دار است یا دین ندارد " و آقای وزیر ته دلش می گوید: " ایسن کارگر بی شعور این مسئله به این ساق را هونفهمید؟ " و نتیجه می گیرد که " اگر (کارفرما) دینسن داشته باشد، حاضر نمیشود نان عدای را آجر کند " (!) به زبان ساده، حرف آقای وزیر یعنی آن که این کارگر نیست، که با کار با زوان خودشان خود و خانوادهاش را تامین می کند، بلکه این کارفرما است که نه بقصد استثمار کارگر و یا پول دوستی از او کار می کشد، بلکه قصد " عابدانه " اش از کارگاه داشتن آن است، که به کارگر " نان " بدهد، و چون " مسلمان " هم است و پول را هم دوست ندارد، این " نشان " را بلبستن کارگاه خود " آجر " نمی کند.

آقای توکل، وزیر کار ۱۰۱۰ که در بیسن کارگران به وزیر " شیرین " زبان معروف شده است، در جلسه " نمایندگان شو راها و انجمن های اسلامی با احمد توکل " (کیهان ۱۸ آبان ۶۱) آنقدر " مزه " انداختند که، کارگر اصفهانی مجبور شد خطاب به او بگوید: " ما از پس زبان شیرین شما بر نیایم. " یکی از این " مزه " ها، که به محسرف " شیرین " زینتی آقای توکل تبدیل شده است پاسخ های وزیر به یک کارگر است. این کارگر با دلبره از دوران پیری، که به کمک آقای وزیر قرار است از حقوق بیمه بازنشستگی ای که در قانون اساسی برایش تضمین شده است، هم محروم شود، سوال می کند: " مساله دیگر اینکه اگر کارفرمای پس از بیست سال کار خسته شد و بخواهد کارگاه خود را ببندد، در آن صورت تکلیف کارگر پس از سالها کار و تلاش چه خواهد شد؟ " در پاسخ آقای وزیر با یک " مزه " تمام

(۱) این داستان را ما هرچه گشتم در قصه های لایزال دین پیدا نکردیم!

رسوخ اقتصادی از طریق واسطه ها - يك تاکتيک امپرياليستي

بقیه از صفحه ۱

برقراری مناسبات اقتصادی با آنها داد سخن می داد سازند .

مابراین که مناسبات جمهوری اسلامی ایران با تمام همسایان باید بر اساس سیاست حسن همجواری استوار باشد ، و در حد متناسب با آنها مناسبات تجاری ، بازرگانی و اقتصادی داشته باشد . و این نه تنها در مورد همسایان ، که در مورد تمام کشورهای جهان صادق است . منتوی بر این روابط باید معیارهای سنجیده و واقع بنانه حاکم باشد و این مناسبات در جهت پیشرفت اقتصادی و تامین استقلال مبین ما عمل کند . گسترش بی رويه مناسبات اقتصادی با کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان که کشورهای وابسته به امپریالیسم هستند ، نه تنها به قطع وابستگی اقتصادی کشور ما کمک نمیکند ، بلکه آنها تداوم میبخشد و تشدید هم میکند .

انتقاد بر گسترش ناسنجیده مناسبات اقتصادی با ترکیه و پاکستان ناشی از دو دلیل عمده است . اولاً ترکیه و پاکستان بطنابه دو کشور دست نشانده امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه ، در نتیجه رسوخ گسترده انحصار عمومی امپریالیستی در اقتصاد شان میتوانند به عنوان واسطه تداوم حضور انحصارهای امپریالیستی در اقتصاد کشور ما عمل کنند حتی دشواریهای اضافی در نتیجه دلالی و واسطه گیری بیافزایند . ثانیاً کشور ما برای بی ریزی يك اقتصاد مستقل و شکوفان ، نیازمند پایه گذاری صنایع سنگین زما در راست و باید در چارچوب بخش دولتی به صنایع سنگین مادر اولویت دهد . اما ترکیه و پاکستان و دیگر کشورهای مسلمان که در ماده آ قانون دولتی شدن بازرگانی خارجی به آنها اشاره شده عملاً قادر نیستند در این زمینه کمک و یاور ما باشند ، زیرا این دو کشور خود دارای اقتصاد فوق العاده عقب مانده هستند .

دورژیم کودتائی ترکیه و پاکستان ، علی رغم دامیه اسلامی بودن ، در زمره " مسلمانان " وابسته به امپریالیسم هستند . در جریان اقتصاد این کشورها خون آلوده با رسوبات استعمار امپریالیستی جاری است و ثروت مردم محروم این کشورها بسنه جیب انحصارهای امپریالیستی و بخصوص انحصارهای فرورنده سلاح های جنگی ریخته میشود . ایان به علت وابستگی سیاسی ، نظامی و اقتصادی خود به امپریالیسم نمیتواند با هیچ کشور دیگری مناسبات سالم اقتصادی برقرار کند . در پاکستان و ترکیه مناسبات مبتنی بر استعمار سرمایه داری ، در درجات مختلف رشد در کنار بقایای فئودالیسم وجود دارد .

انحصارهای آمریکائی که در پاکستان یا در ترکیه به فعالیت مشغولند ، بخشی از تولیدات خود را به نام تولیدات پاکستان یا ترکیه به کشور ما می فروشند .

امپریالیسم آمریکا با يك تیرد و نشان میزند . از یکسو با تحریم اقتصادی ایران ، مشکلات جدید اقتصادی برای کشور ما ایجاد میکند و از سوی دیگر گسترش مناسبات اقتصادی ایران با پاکستان و ترکیه و کشورهای نظیر آنها سبب میشود که این کشورها

سر سپرده به امپریالیسم است که از تمام اهرمهای سیاسی - اقتصادی برای تشدید وابستگی کشورهای خود به انحصارهای امپریالیستی استفاده میکنند . ثالثاً بخش دولتی و خصوصی اقتصاد ما قادر بر رقابت با انحصارهای آمریکائی آلمانی و یا بازار مشترک و ژاپن که در اقتصاد پاکستان و ترکیه فعال هستند نیست .

در عرصه سمت گیری مناسبات اقتصادی با جهان خارج باید بر اساس معیار و ملاک های عینی تصمیم گرفت . مرز بندی در این عرصه مانند تمام عرصه های دیگر نمیتواند بر پایه معیارهای ذهنی انجام گیرد . استقرار مناسبات اقتصادی با سایر کشورها باید فارغ از ملاک های احساسی باشد و باید منافع استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را در نظر گیرد . باید از ظرفیت عظیم صنعتی و کشاورزی اردوگاه ضد امپریالیستی جهانی و از جمله کشورهای سوسیالیستی که میتوانند نیازهای ما را برای شالوده ریزی يك اقتصاد ملی مستقل در تمام جهات برآورده سازند ، بهره گرفت .

فرجام گسترش بی رويه مناسبات اقتصادی با پاکستان و ترکیه اینست که پس از گذشت چند سال کشوری خواهیم بود که هر چند با امپریالیسم آمریکا مستقیماً مناسبات اقتصادی ندارد ، ولی اقبال " مسلمانان " آن در اقتصاد و بازرگانی خارجی ما نفوذ کرده اند . از این فرجام ، از هم اکنون باید با روشن بینی بهره گیریم .

پیمانکار جدید کیست؟

در نظر دارند ادامه کار قطع شده توسط " شریک " ژاپنی را به شرکت های کره جنوبی محول سازند . (راه توده شماره ۲۶ ، هشتم بهمن ۶۱) یعنی ایران را از چاله وابستگی به " شریک " سرمایه دار ژاپنی به چاله سرمایه دار وابسته کره جنوبی بیاندازند . آیا عدم ذکر نام " پیمانکار جدید " در اثر سهل انگاری است؟ بهر جهت باید توجه داشت که سهل انگاری و یا " مخفی کاری " و " سانسور " اخبار در مقابل خلق هم با بیان امام خمینی ، که خواستار بخش اخبار به صورت اولیه و کامل آن شده بودند ، در تضاد است و هم به حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی و رسانه های گروه معدود و مجاز آن لطمه می زند !

" موافقتنامه تکمیل پروژه قسمتی از محوطه سازی و تاسیسات بندر امام خمینی که يك شرکت اسپانیائی بنام " کامینوس " انجام می شد و به دلیل ترک کار از سوی پیمانکار مربوطه بعلت بسروز جنگ تحمیلی تعطیل شده بود به مبلغ يك میلیارد ریال بین مدیر عامل سازمان بنسادر و گشتیرانی و پیمانکار جدید به امضا رسید . " (کیهان ۲۸ دیماه ۶۱)

متأسفانه در این خبر نام " پیمانکار جدید " ذکر نشده است .

با اخباری که اخیراً در مورد کوشش برای اتمام " پروژه پتروشیمی بندر امام خمینی " در روزنامه ها درج شد ، عدم ذکر نام " پیمانکار جدید " در مورد " محوطه سازی و تاسیسات بندر امام خمینی " سوال بر انگیز است .

در مورد " پروژه پتروشیمی " مقامات مسئول

ورشکستگی اقتصادی و

بقیه از صفحه ۹

معنوی امپریالیسم

بقیه از صفحه ۹

جرم این غارتگری میشوند که اعلاشان هیچ وجه مشترکی با منافع خلقهای کشورهای " جهان سوم " ندارد . عبارات دیگر کشورهای غربی از سازمانها گانگستری عظیمی حمایت میکنند که در مقایسه با آنها مافیا يك کارگاه کوچک صنعتی است! یکی از نمونه های این دزدان غارتگر حاکم مورد حمایت

کشورهای امپریالیستی رژیم سابق شاهنشاهی ایران بود که هندست چپا و لگران غربی را برای غارت بی بند و بار آزاد گذاشت و هم خود تا آنجا که میتواند چایید . نمونه های نظیر آنرا مصرف در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین هم به آسانی میتون با انگشت نشان داد . اما با وجود تمام این جنایات و غارتگری ها ، اقتصاد کشورهای امپریالیستی روز بروز بیمارتر میشود . و این چیزی نیست جز ورشکستگی اقتصادی و معنوی امپریالیسم بین المللی .



ضیاء الحق دوست ریگان یاد دوست جمهوری اسلامی ایران

در سپهائی از تیرها و مطالب روزنامه های ایران، در باره سفر ژنرال ضیاء الحق، کودتاجی مسلمان و همسایه ج ۱۰۱۰، به آمریکا

در جریان سفر اخیر ژنرال ضیاء الحق به آمریکا، وی اعلام کرد: "کمک ۳/۲ میلیارد دلاری آمریکا به دولت پاکستان مبنای روابط محکم و پایدار آمریکا و پاکستان قرار گرفته است."

وی همچنین اشاره کرد: "پاکستان خواهان تحکیم روابطش با آمریکا است و اظهار امیدواری کرد که پاکستان در چارچوب قرارداد تسلیحاتی سال ۱۹۸۰ با آمریکا، هواپیماهای پیشرفته (اف ۱۶) را با تجهیزات مناسب از این کشور دریافت کند."

ریگان به ضیاء الحق اطمینان داد که: "سه میلیارد و دو سست ملیون دلار کمک اقتصادی و نظامی ظرف شش سال به پاکستان تحویل داده می شود."

البته لازم به یادآوری است که: "طبق قرارداد منعقد شده بین پاکستان و آمریکا، در سال ۱۹۸۰ قرار شد که واشنگتن طرف ۶ ساله سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار اسلحه از جمله ۴۰ فروند هواپیما جنگنده "اف ۱۶" به پاکستان بفروشد."

ضیاء الحق در جواب سخنان ریگان گفت: "پاکستان از مساعدتهای آمریکا برای مقابله با بحرانهای جنوب آسیا استقبال می کند." ریگان گفت:

اطلاعیه

خوانندگان و علاقمندان "راه توده" میتوانند نشریه "راه توده" و همچنین کتب منتشر شده از طرف حزب توده ایران را از کتابفروشی های کشور های مختلف تهیه نمایند.

از این رو ما از شماره آینده آدرس این کتابفروشی ها و روزنامه فروشیها را برای راهنمایی این دوست درج خواهیم کرد.

همچنین آدرسهای در کشور های مختلف در نظر گرفته شده است، که وسیله نزدیکی بیشتر خوانندگان و علاقمندان یا "راه توده" باشد. لازم به تذکر است که این آدرسها در حله اول به منظور ایجاد ارتباط خوانندگان با مسئولین توزیع نشریه راه توده و یا کتب منتشر شده در

سیاهامور جلوگیری از تشکیل جبهه مشترک کشورهای در حال رشد

روزنامه هندی "پاتریوت" سند سری مهم درباره عملیات بی ثبات سازی اوضاع مناطق مهم استراتژیک جهان را افشاء کرده. در این سند که بنا به نوشته روزنامه فوق الذکر در اختیار دولت هند قرار دارد، اهداف استراتژیک آمریکا در جهان بدین شکل عنوان شده است: ما باید در نقاط کلیدی استراتژیک جهان، منطقه دریای کارائیب، مدیترانه، آفریقای جنوبی، اقیانوس آرام و هند، دریای سرخ و خلیج فارس و تمام مناطقی که دارای مواد خام مهمند حاکمیت سیاسی خود را احیا کنیم.

بنا به نقل روزنامه پاتریوت، برای انجام این کار میبایست شیوههای متعددی از جمله "عملیات ویژه سیا" بکار گرفته شود. طبق این سند این عملیات خرابکارانه در درجه اول باید علیه آن

دسته از کشورهای انجام گیرد که موضع ضد-آمریکایی دنبال میکنند. از این جمله اند، هند، کوبا، نیکاراگوئه، ویتنام، ایران، لیبی، جمهوری دیمکراتیک خلق چین، اتیوپی، آنگولا، موزامبیک، الجزایر و ماداگاسکار، عملیات ویژه "حرف رمزی" است که وظایف، قتل شخصیتهای سرشناس، تحرک به جنگ منطقه ای ایجاد درگیریهای قومی و نژادی خرابکاری اقتصادی و سازماندهی کودتاها را تعیین میکند. دولت آمریکا طبق این برنامه سیا را ماهر جلوگیری از تشکیل جبهه مشترکی از کشورهای در حال رشد که برای مقابله با مطامع سودجویانه آمریکا باید ایجاد شود، کرده است. این سند حاوی نقشههایی علیه استقلال هند و غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند است.

پیروزیهای جدید فارابوند و مارتی در السالوادور

رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی (فارابوند و مارتی) در السالوادور حملات خود را علیه مواضع نظامی رژیم در هفت استان از مجموع چهارده استان کشور طی هفته گذشته تشدید نموده و به موفقیتهای چشمگیری نائل آمدند. بموجب اطلاع خبرگزاریها، پنج هزار نفر از سربازان رژیم به محاصره رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی در آمد هاند. سه شهر از استان مورازان طی هفته گذشته آزاد گشته است. بموجب گسزار سر

رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی (فارابوند و مارتی) در السالوادور حملات خود را علیه مواضع نظامی رژیم در هفت استان از مجموع چهارده استان کشور طی هفته گذشته تشدید نموده و به موفقیتهای چشمگیری نائل آمدند. بموجب اطلاع خبرگزاریها، پنج هزار نفر از سربازان رژیم به محاصره رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی در آمد هاند. سه شهر از استان مورازان طی هفته گذشته آزاد گشته است. بموجب گسزار سر

از میان بر خواهیم داشت.

وی همچنین ضمن دفاع از پنج سال حکومت نظامی در پاکستان گفت: "بنیاد یک حکومت دیمکراتیک! در پاکستان گذاشته شده است. وی همچنین ادامه داد که "سرکوبی برخی از فعالیتهای سیاسی و جلوگیری از بعضی از آزادیهای مدنی در پاکستان از مشخصات یک دولت خوب به حساب می آید."

پاز هم می پرسید: چرا ما مخالف روابط مودت آمیز و دوستانه "ایران انقلابی با پاکستان آمریکا زده هستیم؟

"آمریکا به کمک کردن به پاکستان افتخار و از نقیشت دولت ضیاء الحق برای برقراری صلح در جنوب آسیا و خاور میانه ستایش می کند." ضیاء الحق ضمن دیدارهایی با صاحبان صنایع و بانکهای آمریکائی، جورج شولتز وزیر خارجه و همچنین اعضای کمیسیون های امور خارجه آمریکا مذاکراتی انجام داد و اعلام کرد که: "ما تمام مشکلات برای سرمایه گذاری خارجی را

کشور مربوطه است.

از خوانندگان و علاقمندان "راه توده" خواهش میشود که کماکان مقالات، نامه ها و یا سوالات خود را که مربوط به هیئت تحریریه میباشد، از این پس نیز به آدرس نشریه در فرانکفورت، آلمان فدرال ارسال دارند.

"راه توده" و نشریات حزب توده

ایران را در انگلستان از آدرس

زیر بخواهید:

RAHE TUDEH

P. O. BOX 374

LONDON W13 9 SB

RAHE TUDEH

No. 27

Friday, 4 Feb. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2	Skr.

